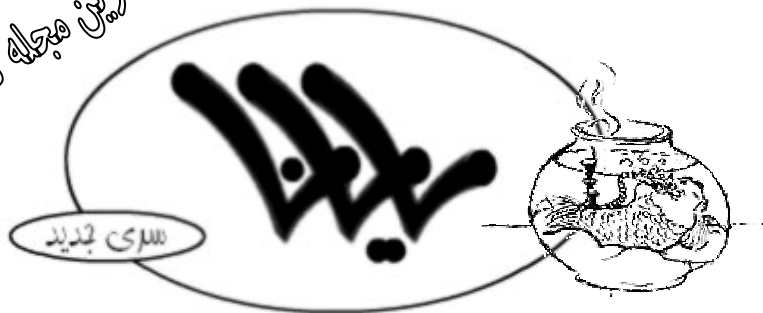


قیمت: ۵۰ تومان

نویسنده: کامیونیتی خاور میانه




سال اول - شماره‌ی هفتم - اسفند ۸۳

ویژه‌نامه
نوروزی



فرا رسیدن بهار طبیعت مبارک باد!
بر همه‌ی شما



What is elearning?



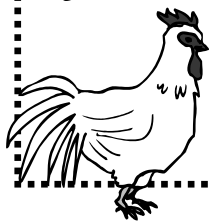
مصاحبه‌ی جنجالی با یک پیرمرد



کلاه نمدی



به نام آن که بهار آورد ... سلام . پیش از هر چیز فرارسیدن سال جدید و بهاری نور را به همه‌ی شما دانش‌آموزان عزیز و آموزگاران گرامی تبریک می‌گوییم و امیدواریم که سال خوب و خوشی را در پیش روی داشته باشید. سعی کردیم بر جذابیت این شماره از نشریه رایانا بیفزاییم تا شما در بیکاری نوروز (واقعاً!) سرگرم‌تر باشید. این ویژه‌نامه حاصل تلاش‌های فراوان اعضای هیأت تحریریه است. امیدواریم از ویژه‌نامه‌ی نوروزی امسال کمال رضایت را داشته باشید.



تقدیم به معلم خوبم

آقای شیوا

لطف خدا

ای غنچه زیبای بهاری
 وی بانگ طربناک قناری
 ای سرو خرامان چمنزار
 وی برگ که بر باد سواری
 ای بلبل خوشرنگ خوش‌آواز
 وی گل که درآیی به کناری
 ای بید سرافکننده به پایین
 هر شاخه تو چو موی یاری
 ای پرتوی خورشید درخشان
 تابیده به برگ و شاخساری
 ای بار که گفته‌ای سخن‌ها
 با شاخه و برگ یک چناری
 ای چرخ بلند پر ستاره
 وی نهر روان و رود جاری
 هر یک ز شما بوید لطفی
 از سوی خدا و کردگاری
 صد بار که شکر او بگویی
 کافی نبود به رحمت آری
 این شعر مقفی بطراوید
 از جوهر کلک کامیاری
 هر کس شنود شغف بیابد
 از شعر من و سخن سرایی

صد ناله که در دادم
 صد ضجه که سر دادم
 عشقی که به باد آمد
 بر باد سحر دادم

۸۳/۷/۴

کامیار محمدزاده



آن چه در این شماره می‌خوانید

- ۳ سرمقاله
- ۴ مشاورنامه
- ۵ بهداشت کار
- ۶ آموزش الکترونیکی چیست؟
- ۸ سلسله مقالات گرافیک
- ۹ داستانهای یه گله بز
- ۱۰ مصاحبه‌ی جنجالی با یک پیرمرد
- ۱۴ کلاه نمدی
- ۱۵ ویژوال بیسیک
- ۱۷ متحرک سازی در فلش
- ۱۸ یک سوال، ۲۴ جواب
- ۱۸ مانیتورهای LCD
- ۱۹ اخبار ۴۰ سال بعد
- ۱۹ لیخند
- ۲۰ گزارش کارسوق
- ۲۳ اخبار مدرسه
- ۲۷ معرفی چند سایت جالب
- ۲۸ باشگاه دانش‌آموزی نانو
- ۲۹ سرگرمیهای عیدانه
- ۳۰ جدول
- ۳۱ اخبار و لطیفه

به نام خدا

* با خودم فکر می‌کردم که مجله باید چه مسؤول‌هایی داشته باشد: مسؤول بخش آموزشی، بخش هنری، بخش نرم‌افزار، اخبار و ... اولین جلسه مثل همه‌ی اولین جلسه‌ها خوب بود. همه اظهار آمادگی کردند. مسؤول‌ها هم معلوم شدند. ولی یکی دو روز بیشتر نگذشته بود که بچه‌ها قول‌هاشون رو فراموش کردند. مثلاً به روز مسؤول بخش آموزشی از من پرسید که درباره‌ی چی بنویسم؟ خب به من چه که باید چی بنویسی؟ اصلاً مگه وظیفه‌ی مسؤول بخش آموزشی چیه؟ به این می‌گن تنبلی (و بی‌تفاوتی). روزها همین جور گذشت تا فقط دو سه نفر موندیم. اون لحظه فکر می‌کردم که اگر یکی دو شماره بیرون بدیم مشتاقان کار زیاد می‌شوند، ولی ماه‌ها گذشت و آب از آب تگون نخورد. نمی‌دونم چرا بچه‌ها نمی‌اومدند کار کنند. چون اصلاً چیز خسته کننده‌ای نبود.

امروزه هم که با فراگیر شدن اینترنت و همچنین قابلیت Copy-Paste (!) دیگه اکثر بچه‌ها برای تحقیق کردن (و مقاله نوشتن) هیچ زحمتی به خودشون راه نمی‌دن. درباره‌ی مقاله‌شون از یکی دو نفر نمی‌پرسند. فقط یه چیزی ماست مالی می‌کنند و می‌دهند. فکر نمی‌کنند که کار مهمی است. در حالی که چه بخواهیم و چه نخواهیم بعداً به یه جایی می‌رسیم که باید تحقیق کنیم. اونم تحقیق‌های درست و حسابی، نه ماست‌مالی. خب چه فرصتی از این بهتر؟ یک چنین مجله‌ای که هست. فقط هم مقاله دانش مهم نیست. همین که بیاییم و کار کنیم (و لذت ببریم) برای تجربه‌اش کافی است (تایپ، چاپ، فروش، صفحه‌بندی، کارهای گرافیکی و ...). فقط کافیه خودتونو یه کمی به کار بگیرید و با این کار با یک تیر چند نشون بزنید. با نوشتن مقاله هم اطلاعاتتون رو به دیگران منتقل کنید؛ هم روش مقاله نوشتن رو یاد بگیرید و هم یه کمی برا خودتون مشهور بشید. اصلاً مجله‌ی رایانا برای بچه‌ها راه افتاد. نمی‌دونم چرا بچه‌ها فکر می‌کنند همیشه باید خواننده باشند، نه نویسنده. نمی‌خواهند پشت صحنه بروند. اصلاً کار مشکلی نیست که پشت صحنه‌ی این مجله بیایید. من این قول رو میدم هرکسی که واقعاً بخواد کار کنه رو به طور کامل پشتیبانی کنم. این مجله قراره به دست شما مدیریت بشه و اگر زمانی نخواهید کار کنید، به سادگی تعطیل خواهد شد. اما اگه استفاده نکنید، وقتی بزرگ شدید افسوس چنین لحظه‌هایی را خواهید خورد. پس از همین الان شروع کنید. تعطیلات عید هم زمان خوبیه برای این که ایده‌هاتون رو پیاده کنید. همچنین یادتون باشه که فکرتون رو محدود نکنید. حتی موضوعی که به رایانه و ادبیات ربط داشته باشه هم پیدا می‌شه (به زودی در این باره مطلبی از آقای امیر پویان شیوا خواهید خواند). من از کار کردن در این مجله سود بسیاری بردم و تجربه‌های عمیقی به دست آوردم (اگه باور نمی‌کنید، سرمقاله‌ی الان من رو با سرمقاله‌ی شماره‌ی یک رایانا مقایسه کنید). در یک کلام بگم: من که ضرر نکردم. شما هم نخواهید کرد.

* اون طوری که شنیدم قراره یه مجله‌ی جدید تو مدرسه در بیاد. الان هم خیلی خوشحالم و آرزوی موفقیت برای دست‌اندرکاران این مجله می‌کنم (همچنین اگر شوخی‌ای می‌شود فقط شوخی است).

* همون طور که می‌بینید کاغذ مجله B5 شده و شکل و قیافه‌ی مجله هم تغییر زیادی کرده. می‌شه گفت مجله‌ی الان رو نمی‌شه با اولین شماره‌ی رایانا مقایسه کرد. از نظر مطلب و ... هم مجله خیلی پیشرفت کرده. امیدوارم که قدر این زحمات رو بدونید.

* به یاری خدا این بار هم یه مجله‌ی دیگه در آوردیم که پیش روی شماست. دیگه نمی‌خوام وقت رایانا خونددتون رو بگیرم. سال خوشی رو براتون آرزومندم. پس تا بعد ... خدانگهدار.

سردبیر

Email : Siavash.a70@gmail.com

افتادگی آموز اگر طالب فیضی هرگز نخورد آب، زمینی که بلند است

مشاورنامه - ۲

← نوشته‌ی: آقای چهانگیر

"کودکی ده ساله که دست چپش در یک حادثه‌ی رانندگی از بازو قطع شده بود، برای تعلیم فنون رزمی جودو به یک استاد سپرده شد. پدر کودک اصرار داشت استاد از فرزندش یک قهرمان جودو بسازد! استاد پذیرفت و به پدر کودک قول داد که یک سال بعد می‌تواند فرزندش را در مقام قهرمانی کل باشگاه‌ها ببیند. در طول شش ماه استاد فقط روی بدن‌سازی کودک کار کرد و در عرض این شش ماه حتی یک فن جودو را نیز به او تعلیم نداد. بعد از شش ماه خبر رسید که یک ماه بعد مسابقات محلی در شهر برگزار می‌شود. استاد به کودک ده ساله فقط یک فن آموزش داد و تا زمان برگزاری مسابقات فقط روی آن تک فن کار کرد. سرانجام مسابقات انجام شد و کودک توانست در میان اعجاب همگان، با همان تک فن همه‌ی حریفان را شکست دهد.

سه ماه بعد کودک توانست در مسابقات بین باشگاه‌ها نیز با استفاده از همان تک فن برنده شود و سال بعد نیز در مسابقات کشوری، آن کودک یک‌دست موفق شد تمام حریفان را زمین بزند و به عنوان قهرمان سراسر کشور انتخاب گردد. وقتی مسابقات به پایان رسید، در راه بازگشت به منزل، کودک از استاد راز پیروزی‌اش را پرسید. استاد گفت: "راز پیروزی تو این بود که اولاً به همان یک فن به خوبی مسلط بودی، ثانیاً تنها امیدت همان یک فن بود و سوم این که تنها راه شناخته شده برای مقابله با این فن، گرفتن دست چپ حریف بود که تو چنین دستی را نداشتی! یاد بگیر که در زندگی از نقاط ضعف خودت به عنوان نقطه قوتت استفاده کنی." > ۱"



حکایت من و شما هم زیاد از حکایت بالا دور نیست، با این تفاوت که برخی اوقات نقطه‌ی قوت می‌تواند تبدیل به نقطه ضعفی بزرگ شود. داشتن غرور بی‌جا، دل بستن به لقب تیزهوش و غفلت از تلاش و پشتکار لازم، می‌تواند از یک نقطه‌ی قوت، نقطه ضعفی بزرگ بسازد. با نگاهی کوتاه به تاریخ این مدرسه به وضوح مشاهده می‌کنیم که در تمامی دوره‌های گذشته، افتخارآفرینان و گل‌های سرسبد مسابقات علمی، المپیادها و جشنواره‌ی خوارزمی، علی‌رغم برخورداری از بُنیه و توان بالای علمی، همواره در بین هم‌دوره‌ای‌های خود جزء کم‌ادعاترین و متواضع‌ترین دانش‌آموزان بوده‌اند. چرا که به خوبی فهمیده بودند نشانه‌ی علم واقعی، فروتنی و تواضع است و علم همراه با غرور، مانع رشد و پیشرفت انسان می‌گردد. و چه زیبا فرمود: "علم نور است، ولی در دل سیاه و قلب فاسد، دامنه‌ی ظلمت و سیاهی را گسترده‌تر می‌سازد. به اخلاق حسنه آراسته شوید؛ ردای اخلاقی را از خود دور کنید؛ در درس و بحث اخلاص داشته باشید تا شما را به خدا نزدیک سازد."

نقل شده از یک قهرمان جودو

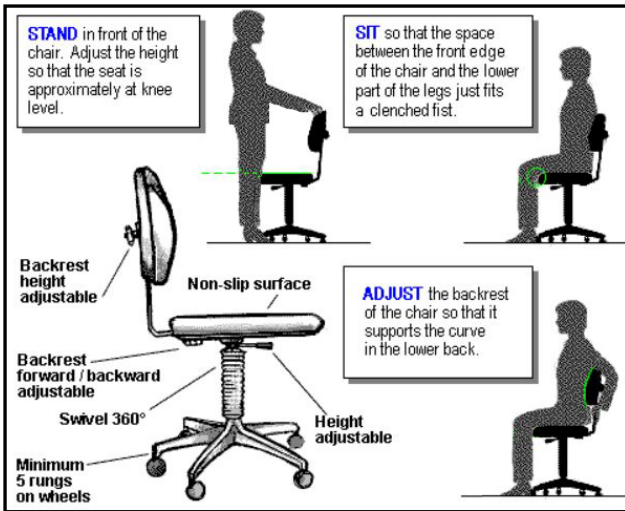
از کتاب جهاد اکبر یا مبارزه با نفس نوشته‌ی امام خمینی (ع)

این شماره: درست نشستن را یاد بگیرید! بهداشت کار - ۲

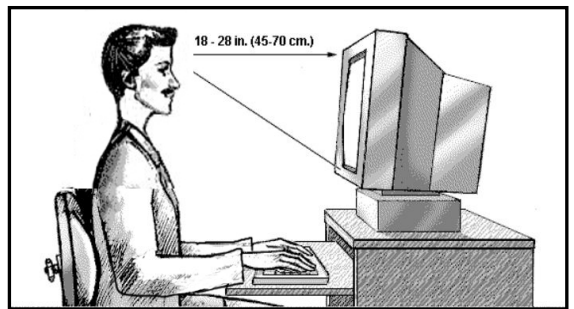
یکی از مادران در روز دیدار با اولیاء از طرز نشستن فرزندش پشت کامپیوتر به شدت گله داشت و با ناراحتی می‌گفت: "پسرم موقع نشستن پای دستگاه قوز می‌کند و فاصله ایمنی با صفحه‌ی نمایش را هم رعایت نمی‌کند". از این رو این شماره را به طرز درست نشستن و نکات ایمنی مربوط به آن اختصاص می‌دهم.

۱ اولین توصیه‌ی بهداشتی: از تناسب ارتفاع میز و صندلی مطمئن شوید و صفحه کلید و صفحه‌ی نمایش را در زاویه‌ی مناسب قرار دهید. شکل روبرو نحوه‌ی تنظیم ارتفاع صندلی و پستی آن را نشان می‌دهد. اگر صندلی شما قابل تنظیم نباشد، ممکن است در دراز مدت اثرات مخربی بر روی ستون فقرات، گردن و شانه‌های شما بر جا بگذارد...

توضیحات مربوط به شکل‌ها را خودتان ترجمه کنید، چون دو فایده دارد: یکی این که زبان انگلیسی‌تان تقویت می‌شود، دوم این که من هم به مریض‌هایی که الان پشت در مطب منتظرم هستند، می‌رسم!



۲ دومین توصیه‌ی بهداشتی: مرکز صفحه‌ی نمایش باید حدود ۱۰ تا ۲۰ سانتی‌متر پایین‌تر از چشمان شما باشد. این وضعیت علاوه بر این که باعث می‌شود پلک‌ها پایین‌تر قرار گیرند و سطح کمتری از چشم در معرض هوا باشد، از خستگی گردن و شانه‌ها نیز می‌کاهد. حواستان باشد که هم باید صفحه‌ی نمایش را در ارتفاع مناسب قرار دهید و هم ارتفاع صندلی را نسبت به میز کار درست تنظیم کنید، به طوری که ساعد شما هنگام کار با صفحه کلید موازی با سطح زمین باشد.



آگهی..... تا آخر فروردین ماه فرصت دارید!.....

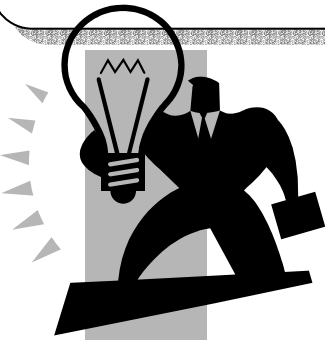
گروه کامپیوتر موضوعات امتیازی دوازدهمین دوره مسابقه ب.ب.م را به شرح زیر اعلام می‌دارد:

- ۱- بازیهای فکری مانند دوز، اتللو و... ۲- بازیهای استراتژیک ۳- مسائل سنتی هوش مصنوعی مانند هشت وزیر، برجهای هانوی و ... ۴- شبیه‌سازیهای فیزیکی مانند حرکت مولکولها، طراحی آزمایشگاه مکانیک و ... ۵- برنامه‌های کاربردی مانند جدول مندلیف، فرهنگ لغت چندرسانه‌ای و... ۶- بازیهای تحت شبکه (ویژه‌ی پایه‌ی سوم)



← نوشته‌ی آقایان عابدی و نبی‌زاده

ساعت ۸ صبح است. جواد به جای این که لباس و شلوار مدرسه‌اش را بپوشد، پشت میز کامپیوترش می‌نشیند. امروز زنگ اول ریاضی دارد. با خط تلفن به اینترنت مدرسه وصل می‌شود و بسته‌ی آموزشی درس ریاضی امروز را از سایت مدرسه دانلود می‌کند. بسته را باز می‌کند. فایل اولی که باید اجرا کند، یک فایل flash است. آن را اجرا می‌کند. درس امروز طریقه یافتن ب‌م‌م و کام‌م با روش تجزیه به عوامل اول است. ابتدا تصاویر متحرک فایل، چند مثال را از روش تجزیه به عوامل اول نمایش می‌دهند که صدای معلم جواد بر روی تصاویر، آنها را توضیح می‌دهد. سپس کلمه‌ی «تمرین» بر روی صفحه نمایش ظاهر می‌شود. جواد بر روی دکمه کنار تصویر کلیک می‌کند. تصویر یک ساعت دیجیتالی گوشه صفحه ظاهر می‌شود که از ۱۰ دقیقه شروع به کاهش می‌کند. جواد در این قسمت باید ۵ عدد داده شده را به عوامل اول تجزیه کند و حاصل را در جاهای مشخص شده بنویسد. او این تمرین را در زمان ۹ دقیقه و ۲۰ ثانیه حل می‌کند. سپس بر روی دکمه‌ی «ارسال» کلیک می‌کند. کامپیوتر به اینترنت وصل شده و جواب‌ها را به سایت مدرسه می‌فرستد. بعد از چند ثانیه پیغامی بر روی صفحه ظاهر می‌شود: «آقای جواد تاریخ! تمرین ۴ را اشتباه حل کرده‌اید. دوباره آن را حل کنید. در ضمن زمان حل شما نسبت به تمرین قبل، یک دقیقه و ۱۰ ثانیه بیشتر شده است. رتبه شما در بین ۲۱ جواب رسیده از بین ۲۴ دانش‌آموز کلاس تا این لحظه، ۱۵ است». جواد تمرین ۴ را دوباره حل کرده و جواب را می‌فرستد. پیغام دیگری ظاهر می‌شود: «آفرین. حالا می‌توانید فایل شماره ۲ را اجرا کنید». کامپیوتر خودبخود از خط تلفن قطع شده و جواد فایل flash دوم را اجرا می‌کند. در این فایل به دست آوردن ب‌م‌م با روش تجزیه توضیح داده شده و بعد از حل چند مثال، دوباره یک تمرین برای حل وجود دارد. جواد این تمرین را هم حل کرده و می‌فرستد. همین کارها را برای کام‌م هم تکرار می‌کند. در پایان پیغام زیر روی صفحه ظاهر می‌شود: «آقای جواد تاریخ! شما امروز توانستید درس ب‌م‌م و کام‌م با روش تجزیه را به پایان برسانید. ساعت ۹ و ۵ دقیقه است. بنابراین ۵ دقیقه زودتر از موعد، این درس را تمام کرده‌اید. از همین حالا زنگ تفریح شما آغاز می‌شود. نتایج شما در درس امروز بعد از زنگ تفریح اعلام می‌شود». جواد ساعت ۱۰ باید برای مادرش خریدی را انجام دهد، بنابراین در قسمت ساعات کلاسی سایت مدرسه، کلاس دومش را به ساعت ۴ بعد از ظهر منتقل می‌کند. بعد نمایشگر کامپیوتر را خاموش می‌کند و به آشپزخانه می‌رود. یک لیوان شیر می‌خورد. به حیاط می‌رود و مشغول طناب بازی می‌شود.



سلسله مقالات what is elearning

جدیداً مُد شده جلوی هر چیزی یک «الکترونیک» می‌گذارند و کلی هم خوششان می‌آید که چه مُدرن شده‌اند. در این وسط معلّم‌ها هم کم نیاوردند و جلوی درس دادن یک «الکترونیک» گذاشتند و لغت «درس دادن الکترونیک» را به وجود آوردند. بعدها چند تا معلّم فارسی پیدا شدند و به این کلمه کج و معوج ایراد گرفتند که این کلمه چفده زشته و به جای آن از واژه زیبا و وزین «آموزش الکترونیک» استفاده کردند.

بعد از آن به این فکر افتادند که حالا این «آموزش الکترونیک» یعنی چی؟ اولین فکری که به ذهنشان رسید این بود که باید به کلمه «آموزش» و «الکترونیک» ربط داشته

باشد. «آموزش» که معلومه همان درس دادنه. فقط می‌ماند «الکترونیک». یکی گفت که احتمالاً «الکترونیک» معنی خاصی نداره و فقط

برای قشنگیه. یکی دیگه که معلّم حرفه بود، گفت لابد به آ‌ی‌سی و از این چیزا مربوط می‌شه. در این میان یکی از معلّم‌ها فریاد برآورد که «یافتّم، یافتّم» و یاد و خاطره ارشمیدس را در اذهان زنده کرد (با این تفاوت که ارشمیدس

بدون لباس پیرید وسط خیابان و گفت: یافتم، یافتم؛ ولی این معلم داستان ما با لباس مرتب و خیلی گوگوری مگوری گفت یافتم، یافتم). همان معلمه گفت: «من یک مقاله درباره اقتصاد الکترونیک خواندم که مربوط می‌شد به اقتصاد و کامپیوتر و اینترنت. آموزش الکترونیک هم حتماً باید به کامپیوتر و اینترنت به ربطی داشته باشه». جمله معلمان از این کشف عظیم خرسند گشتند و ذوق نمودند و در کتاب لغت‌نامه جلوی واژه جدید «آموزش الکترونیک»^۱ نوشتند: «به نوعی آموزش گفته می‌شود که در آن از کامپیوتر و اینترنت و دیگر وسایل آموزشی الکترونیک، استفاده شده است». حالا مشکل این بود که اینترنت به چه دردی می‌خوره؟

پرسید زان میانه یکی آن دبیر پیر

این واژه چیست که در محفل شماست

گفت زان میان جوانی متین و شاد

اینترنت است این، که خوب است و با صفاست

یکی از معلم‌های کامپیوتر گفت که: «من خودم شخصاً به وسیله اینترنت با دوستان به گفتگو می‌پردازم (چت می‌کنم)، ولی نمی‌دانم این چه ربطی به درس دادن داره؛ خب آدم به جای این که با طرف چت کنه، بذاره دانش آموز بیاد سر کلاس

بهش درس بده دیگه». در آن لحظه ز سر

صندلی معلمی به هوا خاست و گفت:

«آقایان! آقایان! در کشور پهناور ما راه‌ها

دوره و ممکنه یک نفر نتونه بیاد سر

کلاس و ما از این طریق می‌تونیم به

اون‌ها هم از طریق چت درس بدیم». یک

معلم دیگه رو به این یکی معلمه کرد و

گفت: «آقای محترم! تا تلفن هست چرا با

خودت چت می‌کنی؟» و جملگی دوستان

سر را به نشانه تأیید بجنباندند. در اینجا

بحث داشت به بن‌بست می‌رسید که یکی

از معلمان از آن معلم چت‌کننده پرسید:

«شما از اینترنت فقط برای گفتگو کردن استفاده می‌کنید؟» و

آن معلم کامپیوتر گفت: «بلی. ولی صبر کنید؛ چیزی به ذهنم

رسید. یک دفعه یکی از دوستان از این طریق برای من یک

فایل فرستاد که خیلی هم فایل خوبی بود». با این گفته بحث

از بن‌بست به در آمد و کوره راهی در میان دیوارها نمایان شد.

ناگهان معلم ریاضی با چهره‌ای خندان گفت: «خیلی خوب شد. من می‌توانم از این طریق روزی هزار تا تمرین برای بچه‌ها بفرستم و جواب‌ها را هم همان شب ازشان بگیرم تا دیگه نتونن کُپ بزَن. بچه‌ها هم از این همه تمرین حتماً خوشحال می‌شوند».

این گونه بود که «آموزش الکترونیک» متولد شد. عجیب اینجا بود که دانش‌آموزان هم از این روش استقبال کردند. در تحقیقات بعدی، دلایل استقبال دانش‌آموزان به شرح زیر معلوم شد:

✓ اولاً دانش‌آموزان می‌توانستند از آموزش غیر هم زمان

استفاده کنند، یعنی می‌توانستند هر وقت روز که خواستند

بروند و بسته آموزشی خود را از اینترنت بگیرند و مطالعه

کنند. این جوری علاوه بر لذت بردن بچه‌ها از خوابیدن

صبح‌ها، کار ناظم‌ها هم کساد شد و دیگه نمی‌توانستند جلوی

در بایستند و چپ‌چپ به آدم‌هایی که دیر آمده‌اند، نگاه کنند.

✓ ثانیاً دانش‌آموزان دیگه مجبور نبودند که حتماً به

مدرسه داخل محل خودشون یا داخل شهر خودشون یا داخل

کشور خودشون بروند. در همین راستا شنیده شده گروهی از

بچه‌های علامه‌حلی آرژانتین با استفاده از این نوع آموزش

درخواست استفاده از امکانات آموزشی

علامه‌حلی تهران را کرده‌اند، ولی به دلیل این

که مدرسه تهران اینترنت نداشت این امر

مقدور نشد.

✓ ثالثاً بچه‌ها از این که دیگه مجبور

نبودند قیافه بعضی از معلم‌های زیباروی خود

را ببینند، خیلی ذوق‌زده شدند!

✓ رابعاً بر اساس اندیشه‌های معلم ریاضی

گرامی، با استفاده از «آموزش الکترونیک»

دیگه کسی از روی تکلیف یکی دیگه رونویسی

نکرد (همه کپی پیست می‌کردند!). بعضی از

معلم‌ها هم از بازی‌های کامپیوتری در «آموزش الکترونیک»

استفاده کردند، از آن جمله معلم ورزش که بچه‌ها را به فیفا

۲۰۰۵ توصیه کرده و معلم آمادگی دفاعی که کاتر را به

بچه‌ها پیشنهاد کرده و حتی شنیده شده بعضی از مدرسه‌ها

کلاس‌های این درس را در گیم‌نت‌ها برگزار می‌کنند.

✎ این بود انشای ما درباره‌ی آموزش الکترونیک. تا

دیداری دیگر و what is ای دیگر - که عمراً به قشنگی این

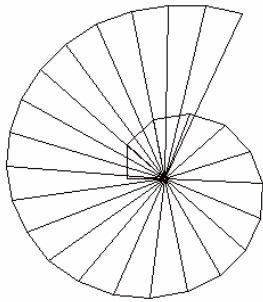
what is بشه - برید بشینید درستان را بخوانید.

سلسله مقالات what is



^۱ در آخرین لحظات چاپ این مقاله با خبر شدیم واژه‌ی نا مانوس آموزش مجازی امروزه گاهی اوقات به جای آموزش الکترونیک استفاده می‌شود.

برنامه‌ی شما باید مختصات سه رأس مثلث و نیز مختصات نقطه‌ی شروع جوینده را از ورودی بگیرد و ۱۰,۰۰۰ مرحله از روند حرکت جوینده را نمایش دهد.



5 حلزون

ببک شکل مقابل را رسم کند.

	برای رسم شکل فوق باید ابتدا یک مثلث متساوی الساقین و قائم‌الزاویه به ضلع a رسم کنید.
	سپس یک خط قائم به طول a بر وتر مثلث رسم شده، رسم کنید.
	حالا سر آزاد پاره خط رسم شده را به آن سر وتر مثلث وصل کنید.
حالا این کار را n بار (مثلاً ۲۰ بار) تکرار کنید تا شکل حلزون به دست آید.	

راهنمایی :

- ✓ می‌توانید از دستور DRAW استفاده کنید.
- ✓ دستور `str$` یک عدد می‌گیرد و آن را به رشته تبدیل می‌کند. مثلاً `a$=chr$(30)`.
- ✓ دستور `sqr` یک عدد می‌گیرد و جذر آن را محاسبه می‌کند. مثلاً `a=sqr(4)`.
- ✓ مختصات نقطه‌ی وسط دو نقطه‌ی $(X1, Y1)$ و $(X2, Y2)$ برابر با $(\frac{X1+X2}{2}, \frac{Y1+Y2}{2})$ است.
- ✓ دسته‌ی ملاقه یعنی انتهای ملاقه.

در این شماره، به جای ملاقه‌ی گرافیکی، چند تا سوال گرافیکی و غیر گرافیکی داریم. چند تا راهنمایی هم در دسته‌ی ملاقه آمده است.

1 نوشتن عدد به حروف

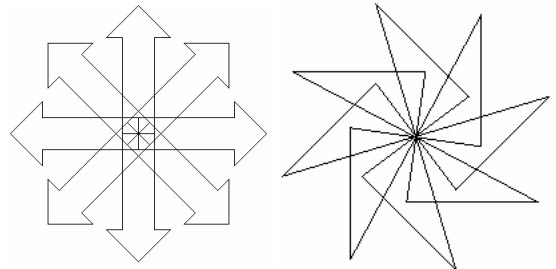
ببک یک عدد بگیرد و آن را با حروف بنویسد. مثلاً اگر دادیم ۴۶۹۱ بنویسد "چهار هزار و ششصد و نود و یک".

2 بازی اتللو

ببک بتوانیم با کامپیوتر بازی اتللو انجام بدیم (هر کی این برنامه را بنویسه، توی مسابقه‌ی ببم یه مقام خوبی می‌یاره، مثلاً اول).

3 دوران

ببک هر یک از اشکال زیر را رسم کند (آیا می‌توانید این برنامه را در چهار خط بنویسید؛ به شرطی که در هر خط فقط از یک دستور استفاده کنید؟).



4 اهرام ثلاثه‌ی مصر

در مصر باستان، در کنار رود نیل سه هرم بزرگ در سالیان بسیار دور ساخته شده است که به اهرام ثلاثه‌ی مصر مشهورند. در نوشته‌هایی که از مصر باستان به دست آمده است، چنین بیان شده که ورودی پنهانی مقبره‌ی فرعون دوم در جایی داخل مثلثی که این سه هرم را به هم وصل می‌کند در زیر خاک مدفون شده است. جویندگان بسیاری به طمع یافتن گنج عظیم فرعون به جستجوی این در پنهانی پرداخته‌اند، ولی نفرین فرعون باعث می‌شود که هر جوینده‌ای که در داخل این مثلث قرار گیرد، فقط بتواند مستقیماً به طرف یکی از رؤوس این مثلث حرکت کند و وقتی دقیقاً نصف فاصله را طی کرد، اندکی بایستد و سپس دوباره به طور اتفاقی به سمت یکی از سه هرم تغییر جهت داده و به حرکت خود ادامه دهد.

برنامه‌ای برای شبیه‌سازی کار جویندگان گنج فرعون بنویسید که فقط نقاط توقف آنها را روی صفحه‌ی گرافیکی نمایش دهد.

سوال‌های خودتون و یا جواب‌های این سوال‌ها را برای من بفرستید.
ehsan.shahshahani@gmail.com

← نوشته‌ی: میرزا تقی خان اشپلیوس



توضیح

آقای اشپلیوس متن داستان‌های یه گله بز این شماره را مستقیماً به ایمیل رایانا فرستاده‌اند. ایشان در پایان این قسمت، جواب‌های کوبنده‌ای (!) به انتقادات وارد بر شماره قبل داده بودند که متن این قسمت در دفتر نشریه موجود می‌باشد.

سال بز کوهی مبارک! در تقویم ما بزها، سال دیگه سال بز کوهیه. امسال هم سال بز دریایی بود. در سال‌های بز دریایی همش بارون می‌یاد. شما آدمای خنگ یک سازمان هواشناسی بی سر و ته زدید که چی؟ سال دیگه بارون می‌یاد یا نه. خب خنگید دیگه. معلومه سال بز دریایی همش بارون می‌یاد. امسال هم سال بز کوهیه. تو سال بز کوهی از زلزله خبری نیست، خیالتون تخت. تسونامی مسونامی هم برای سال بز دریاییه. سال دیگه از این چیزا نداریم. حالا هی بشینید پیش‌بینی کنید که کی زلزله می‌یاد. با این روندی که شما آدمای پیش‌گرفتید، دارید فرهنگ ما رو هم عوض می‌کنید. تو فرهنگ چند صد ساله ما، گوسفند مظهر خنگیه؛ ولی کم‌کم شما دارید جلو می‌زنید. چند وقته کتاب‌های آدم‌ها داره به زبان بزی ترجمه می‌شه، البته بیشتر جنبه طنز داره. یکی از این کتاب‌های بانمک رو دیروز داشتیم می‌خوندیم. یک سری جوک نوشته بود درباره نجوم. نویسنده‌ش یه یارو بود به نام گیگیلی، گوگولی یا گاکولی. خلاصه تو این مایه‌ها بود. این یارو خجالت نکشیده این چرت و پرت‌ها رو گفته؟ نوشته زمین گرده. حالا این هیچی؛ آخه می‌شه زمین با این عظمتش دور خورشید بچرخه؟.....^۱ فکر کنم طرف دو رگه بوده: یه رگه آدم، یه رگه گوسفند، یه رگه بز (یه رگه بزى داشته چون نظریه داده و هرکی هر نوع نظریه‌ای بده یه رگه بزى داره. رگه گوسفندی داشته چون نظریه‌ی احمقانه‌ای بوده و یه رگه آدمی داشته چون پدر و مادرش آدم بودن). همین جا به همه شما توصیه می‌کنم با این گوسفندها دم‌خور نشین؛ نتیجه‌ش می‌شه همین. از این کتاب‌ها هم فقط به صورت طنز استفاده کنید. اگر مطلب علمی می‌خواید بیاید پیش خودم. امروز هم می‌خوام شما رو از چشمه‌های علوم بزى سیراب کنم. البته سعی می‌کنم خیلی ساده بگم تا شما موجودات هپلی هم بفهمید.



زمین ما در مرکز یه قلب بز قرار داره که خورشید هم روی سطح همین قلب هستش. نزدیکی خورشید به زمین در بعضی از فصل‌ها هم به خاطر تپش همین قلبه. سیارات هم توی رگه‌های همین بز برای خودشون وول می‌خورند. کل جهان یک گله بز است که ستاره‌ها و سیارات در آنها قرار دارند. تئوری یعنی این. واقعاً مقایسه کنید با تئوری منظومه شمسی. یه نفر دیگه اومده می‌گه جهان در حال انبساطه. مگه جهان آهنه که منبسط بشه؟ اگر می‌بینید یه کهکشانی داره از بقیه دور می‌شه به خاطره که یه بز از گله جدا شده و برای خودش یه گوشه‌ای می‌چره. بی‌خیال. می‌دونم هیچی نفهمیدید.

سال بز کوهی همتون مبارک!



^۱ در این قسمت آقای اشپلیوس فحش معروفشان را نوشته بودند که سانسور شد.

← به کوشش: آرش پدیع مدیری، سید شایان شمس شعاعی



◆ سوابق و افتخارات:

طراح و راه‌انداز اولین تورنومنت برنامه‌نویسی مراکز سمپاد، طراح و راه‌انداز اولین کارسوق کامپیوتر مرکز، دومین رئیس گروه کامپیوتر مدرسه، معلّم نمونه‌ی سال تحصیلی ۱۳۸۱-۸۲ مدرسه، داور بیش از ۱۱ دوره مسابقات ب‌ب‌م، مبدع دبل کوئیز، مبدع سوپر کوئیز، اولین مدیر مسؤؤل رایانا، نایب قهرمان گرفتن کوئیز (بعد از قهرمان فرضی)، پیر مرد گروه کامپیوتر، مشاور اعظم رایانا و ...

از شیمی و زیست زیاد خوشم نمی‌آمد. از درس‌های دیگر بدم نمی‌آمد. البته نباید از نقش معلّم هم صرف‌نظر کرد.

◆ کدام یکی از معلّم‌هایتان را بیشتر از همه دوست داشتید؟
آقای رضوی (دینی اول راهنمایی) - آقای مشیربها (ریاضی دوم راهنمایی) - آقای مشایخی (تاریخ دوم راهنمایی) - آقای قوامی (زبان دوم راهنمایی) - آقای طبیب (زیست سوم راهنمایی)

یک بار از آقای رضوی سر صف جایزه گرفتم. آقای مشایخی هم معلّم عجیبی بودند. یک بار گفتند دست‌هایتان را روی میز بگذارید تا بگویم هر کس در آینده چه کاره می‌شود. یک بار هم تاریخ ۱۹ شده بودم. مرا صدا کردند و گفتند دیشب سریال آینه را دیدی؟ گفتم بله؛ و بعد نتیجه‌ی اخلاقی سریال را گفتم. حرف‌هایم که تمام شد، به من گفتند ۲۰ شدی، برو بشین. بعد رفتند جبهه و ما دیگر ایشان را ندیدیم. تا الآن هم خبری ازشان ندارم.

◆ سال تولد و محل تولدتان؟

تهران - بچه‌ی همین محل! - سال ۱۳XX (رجوع شود به «مدرسه در ۴۰ سال بعد» دو شماره قبل)

◆ خاطره‌ای از دوران ابتدایی؟

معلّم سال پنجم‌مان می‌خواست برود جبهه که قبل از رفتنش، مادرش فوت کرد و ایشان ۴۰ روز به مدرسه نیامد. لذا کلاس ما را پخش کردند در کلاس‌های دیگر. به خاطر همین من بین شاگرد اول‌های مدرسه شدم شاگرد آخر. با این که هیچ کس از بچه‌ها روی قبولیم در علامه‌حلی حساب نمی‌کرد، آن سال از مدرسه ما دو نفر اینجا قبول شدند: آقای قاسمی و من؛ که الآن هر دو عضو هیأت مدیره‌ی بنیاد توسعه فردا هستیم.

◆ موقعی که به مدرسه آمدید، مدرسه چه‌جوری بود؟

چه‌جوری وارد مدرسه شدید؟

امتحان ورودی بود، مثل همین الآن. آن موقع یک مرحله‌ای بود. مثل همی شما بدون پارتی، بدون کلاس کنکور!

◆ موقعی که امتحان دادید، فکر می‌کردید اینجا قبول

شوید؟

خیر!

◆ گروه کامپیوتر آن زمان وجود داشت؟

خیر!

◆ کدام درس‌های مدرسه را دوست داشتید؟



راهنمایی دو نفر از نظر اخلاق در مدرسه نمونه شدند که نفر اول آقای حسینی بودند و نفر دوم هم من. از آن به بعد دیگر با هم هم‌کلاس نشدیم!

◆ از چه سالی شروع به درس دادن کردید؟

زمانی که ما دانش‌آموز بودیم، در کلاس‌ها گروه‌های علمی داشتیم. هر کسی قوی‌تر بود، چهار پنج نفر را جمع می‌کرد دور خودش و بهشان درس می‌داد. الان این کارها کم‌رنگ شده. گروه‌ها و تشکل‌های علمی الکی شده. بچه‌ها فقط می‌گویند ۲/۱ برتر، ۲/۲ برتر و ...

از سال دوم دانشگاه برای تدریس به مدرسه علامه‌حلی (۲) برگشتم. اول در فوق برنامه معلم فیزیک الکتریسته بودم و بعد هم ریاضی و کلاس محاسبات عددی که مطمئنم آقای ابراهیمی (معلم راهنمای اول‌ها) هیچ موقع خاطره‌ی آن کلاس را فراموش نمی‌کند! موقعی که قرار بود در سال تحصیلی بعدی به عنوان معلم راهنما در علامه‌حلی (۲) مشغول شوم، آقای مهندس صدیق - پایه‌گذار گروه کامپیوتر علامه‌حلی (۱) - مرا دعوت کردند و این شد که معلم کامپیوتر علامه‌حلی (۱) شدم. الان هم نزدیک ۱۰ سال است درس می‌دهم. در هر سه پایه راهنمایی هم درس داده‌ام. فکر می‌کنم تنها کلاسی که تا به حال درس نداده‌ام، ۱/۲ بوده است! دو سال هم اول دبیرستان درس داده‌ام.



◆ کلاس‌های راهنمایی تان کدام‌ها بود؟

۱/۱ - ۲/۲ - ۳/۳ (چون ۳/۳ دیگر خیلی سه بود!)

◆ اولین کامپیوتری که دیدید، کی بود؟

سال سوم راهنمایی که فوق برنامه‌ی کامپیوتر در مدرسه به راه افتاد، اولین کامپیوتر عمرم را دیدم که کمودور ۶۴ بود و به تلویزیون وصل می‌شد. زمان ما کار فوق برنامه بچه‌ها عنوانش «طرح کاد» بود که دو زمینه داشت: الکترونیک و برنامه‌نویسی. من رفتم الکترونیک. بعداً کنجکاو شدم بروم ببینم کامپیوتر چه بوده. اما برنامه‌نویسی را اولین بار در دانشگاه خوب یاد گرفتیم. البته در سوم دبیرستان هم به ما برنامه‌نویسی بیسیک یاد می‌دادند. هر سال سر کلاس به بچه‌ها می‌گویم که شما در برنامه‌نویسی خیلی زود می‌توانید از من جلو بزنید، چون زودتر از من شروع کرده‌اید. اما در یک چیز سخت بتوانید از من جلو بزنید و آن هم مرام و معرفت است!

◆ چه شد که به رشته‌ی کامپیوتر رفتید؟

از بچگی به رشته‌ی فضاوردی علاقه‌مند بودم! وقتی که دفترچه‌ی انتخاب رشته را گرفتیم، دیدم چنین رشته‌ای نداریم. خیلی ناراحت شدم، چون دیدم از هیچ رشته‌ای خوشم نمی‌آید. بدش با خودم

◆ کدام یک از معلم‌های الان مدرسه، معلم شما هم بوده‌اند؟

از معلمان راهنمایی آقای قوامی و از معلمان دبیرستان آقایان ساعتی، کابلو، میردورقی، آراسته، مشیریها، کاظمی، حلی و دکتر یزدی.

◆ در دوران تحصیل شما مدیر مدرسه که بود؟

آقای میردامادی؛ که الان در سمت معاونت دانشگاه پیام نور هستند.

◆ در آن زمان کلاس‌های فوق برنامه مدرسه چه کلاس‌هایی

بود؟

آن زمان، چون ایام موشک‌باران بود، کلاس‌های درسی هم تق و لق بود، چه برسد به کلاس‌های فوق برنامه. حتی یک مدت هم کلاس‌ها تعطیل شد.

در کل دوران راهنمایی فقط یک اردو رفتیم؛ آن هم به اردوگاه شهید باهنر منظره که مصادف شد با حمله منافقان و اردو نصفه‌کاره ماند؛ بدین ترتیب که به ما گفتند خودتان بروید خانه و خیلی از معلم‌هایمان هم از همان جا رفتند جبهه. در آن اردو وزیر آموزش و پرورش وقت (آقای اکرمی) هم به دیدن ما آمدند و کلی ازمان تعریف کردند!

◆ دبیرستان هم رفتید؟

بله، آن موقع ساختمان دبیرستان و راهنمایی یک جا بود (چهار راه لشگر) و مدرسه فعلی راهنمایی هم محل برگزاری طرح کاد بود.

◆ از خاطرات دوران دبیرستان بگوئید.

آن موقع دانش‌آموزان سال بالاتر به وضع مدرسه علاقه‌مند بودند و جای خالی بعضی معلم‌ها را پر می‌کردند. مثلاً تعدادی از بچه‌های سوم دبیرستان خودشان در مدرسه تدریس می‌کردند.

سال اول دبیرستان، با بچه‌های کلاس به صورت خودجوش صبح‌ها قبل از خوردن زنگ، کلاس تفسیر قرآن راه انداخته بودیم. هر روز یک آیه را از تفاسیر مختلف بررسی می‌کردیم (تفسیر *ابوالفتوح رازی* هم به نام من افتاده بود). برای این کار هیچ حمایت بیرونی نداشتیم، اما کلی معلومات از همین جلسات کسب کردیم.

سفره‌ی کلاس ما هم زبانزد خاص و عام بود. موقع ناهار سفره پهن می‌کردیم و هرکس هر چه به عنوان ناهار آورده بود، می‌ریخت وسط! بعد هم میوه‌هایمان را می‌ریختیم وسط و با چاقو قاچ می‌کردیم. جای چاقوها روی سفره مانده بود (تا چند سال پیش من این سفره را داشتم).

◆ از هم‌کلاسی‌هایتان چه کسانی را بچه‌ها می‌شناسند؟

آقای حسینی (سخنران کارسوق کامپیوتر پایه دوم و طراح سایت NODET) که در کلاس ۱/۱ با ایشان هم کلاس بودم. سال اول

فکر کردم ببینم از چه رشته‌ای کمتر بدم می‌آید! اول کامپیوتر بود و بعد هم عمران. در برگه‌ی انتخاب رشته، ۱۴ رشته بیشتر انتخاب نکردم: ۷ تای اول کامپیوتر و ۷ تای دوم هم عمران؛ که همان انتخاب اول را قبول شدم.

◆ از تاریخچه تورنومنت - که خود شما پایه‌گذارش بودید - بگویید.

اولین سالی که تورنومنت برگزار شد، سال ۷۹ بود که بین علامه‌حلی (۱) و (۲) مشترک بود. این مسابقات در زمین علامه‌حلی (۲) برگزار می‌شد و ۱۰ تیم از هر مدرسه در آن شرکت داشتند. در بخش انفرادی آنها اول شدند و در بخش تیمی ما. به همین خاطر در راه بازگشت بچه‌ها خیلی ناراحت بودند. از خاطرات این تورنومنت این بود که تصمیم گرفتیم صبح روز دوم، صبحانه را در پارک جنگلی کنار علامه‌حلی (۲) بخوریم. در راه از بس درخت بود، جنگل را نمی‌دیدیم! بعد که جنگل پیدا شد، چند تا سگ سر و صدا کردند و بچه‌ها ترسیدند و تا مدرسه دویدیم و صبحانه را در مدرسه خوردیم.

سال بعد تورنومنت در زمین بی طرف (دبیرستان) برگزار شد و ما انتقام سختی گرفتیم، به طوری که هم در بخش انفرادی و هم در بخش تیمی اول شدیم (از بین رتبه‌های ۱ تا ۱۰، فقط رتبه‌ی پنجم مال علامه‌حلی (۲) بود). شب که شد بچه‌های علامه‌حلی (۲) یک جشن پتوی حسایی برای معلمانشان گرفتند.

دو تورنومنت بعدی به صورت داخلی برگزار شد، چون دیگر مواد درسی ما و علامه‌حلی (۲) یکی نبود. پارسال هم یک تقاضا از مدرسه فرزاتگان برای برگزاری مسابقه مشترک داشتیم که چون هیچ مورد مشترک درسی با آنها نداشتیم، دیدیم امکان مسابقه نیست. یک دوره هم به جای تورنومنت، تورنی‌نت (تورنومنت تحت شبکه) داشتیم که بین پایه دوم و سوم برگزار شد. در این مسابقات ۳۵ گروه دو نفره داشتیم که در سالن ورزش با هم مسابقه می‌دادند. از فرزاتگان و علامه‌حلی (۲) هم برای این مسابقات کامپیوتر قرض کردیم. برای برگزاری این مسابقه، همه‌ی معلم‌ان گروه کامپیوتر یکی دو هفته از کار و زندگی بی‌کار شدند. از شبکه خبر هم برای مصاحبه آمدند. این کار برای اولین بار در خاورمیانه در سطح مدارس راهنمایی انجام می‌شد (می‌بینید که گروه کامپیوتر غیر از رایانا، باز هم رکورد خاورمیانه را شکسته است). یادم است یک روز در عید نوروز برای انجام کارهای تورنی‌نت در مدرسه بودیم. حال مزاجی‌ام هم اصلاً روبراه نبود. مادرم تاکید کرده بودند که به هیچ وجه غذای بیرون را نخورم. از طرفی مجبور بودیم در مدرسه بمانیم. این شد که مادرم یک قابلمه بزرگ لوبیا پلو پخت و با ماشین آقای فرخی ناهار را بردیم مدرسه و تا پاسی از شب با همان ناهار دوام آوردیم. شما بچه‌ها این زحمات را نمی‌بینید. فقط این را بدانید که بسیاری از ژانگولرهای کارسوق و تورنومنت حاصل کلی زحمت

است. برای طراحی سؤالات هم یک سؤال از مسابقات دبیرستان‌های آمریکا (فیلا‌دلفیا) انتخاب کردیم که اتفاقاً اولین سؤال بود که همه بچه‌ها حل کردند و این مشت محکمی بود بر دهان آمریکا و بچه‌های ما نشان دادند که از سطح دبیرستان‌های آمریکا هم بالاترند. در دبیرستان در المپیادها و مسابقات برنامه‌نویسی تازه بچه‌ها می‌فهمند که در راهنمایی چه گوهرهایی یاد گرفته‌اند.

مدرسه ما در درس کامپیوتر بین مدارس سازمان غریب افتاده است. در خود مدرسه‌ی ما هم متأسفانه بعضی معلمان درس کامپیوتر را قبول ندارند و می‌گویند برای راهنمایی ICDL بس است، در حالی که معلمانی که از کامپیوتر به عنوان ابزار در درسشان استفاده می‌کنند (مثل آقایان صفر، میبدی، کیهانی، سیدجلالی، حسینی، عابدی و...) به نقش و اهمیت برنامه‌نویسی پی برده‌اند. این تصور باید در همه‌ی معلمان به وجود آید. حتی من معتقدم ما آموزش برنامه‌نویسی را دیر شروع کرده‌ایم. در مدارس خارج از کشور، برنامه‌نویسی را در کنار ICDL از دوران ابتدایی آغاز می‌کنند.

پارسال دو تا از بچه‌های مدرسه (امیر تقدیری و سهیل آزادوار) برای مسابقات ریاضی به هند رفتند و آنجا مدال برنز گرفتند. با معلمان پایه دوم دنبال این هستیم که یک مسابقه کامپیوتری بین‌المللی پیدا کنیم و تیم منتخب تورنومنت را به آنجا بفرستیم.

◆ نظر تان در مورد کلاس‌های فوق برنامه چیست؟

کلاس‌های فوق برنامه برای این است که دانش‌آموزان صحبت‌های سر کلاس را در بوته‌ی عمل ببینند و به آن حرف‌ها اعتقاد و باور قلبی پیدا کنند. در این کلاس‌ها بچه‌ها فرصت ابتکار و اکتشاف دارند. این کلاس‌ها دیدی به آدم می‌دهد که یک دنیا ارزش دارد.

◆ ورزش‌های مورد علاقه‌ی زمان بچگی شما چه بوده است؟

بچه که بودم، در خانه به فوتبال با جوراب گلوله شده و همچنین اسکواش (که هر دوی آنها را خودم در خانه اختراع کرده بودم) می‌پرداختم. به غیر از فوتبال به ورزش‌های دیگری مثل والیبال، پینگ‌پونگ و شنا علاقه‌مند بودم.

◆ تیم مورد علاقه فوتبال؟

هر تیمی که جوانمردانه و زیبا بازی کند و در ضمن اسمش هم استقلال نباشد! اول فصل با آقای نی‌زاده طرفدار صبا باتری بودیم (تیم محبوب رایانا) که بعد از نتایج ضعیفش، از طرفداری کناره گرفتیم. از دوره‌ی بعد هم می‌خواهیم امتیاز یکی از تیم‌های جام برتر را به نام رایانا بخریم.

◆ مقام‌های فوتبالی تان؟

بعد از معلم شدن، تقریباً در هر اردو یک جایزه فوتبالی برده‌ام. با تیم معلمان بارها قهرمان شده‌ام، اما با دانش‌آموزان فقط یک بار

قهرمان اردوی مشهد شده‌ام. پارسال هم آقای گل اردوی کاشان دوم‌ها شدم.

◆ اولین کلمه‌ای که در مورد این کلمات به ذهن‌تان می‌رسد، بگویید.

بیسیک: آسون * عبدالسلام: پرفسور * درس: معلّم * جوش: طباطبایی! * رایانا: عشق * گیگیلی: در تورنومنت * دکتر بربری: نَفَس * جهانگیر: پیرمرد * دماغ: کلنگ * میکروسافت: لینوکس * کامپیوتر: صفا * ساعت: کوئیز * علی دایی: افتخار * صبا باتری: امید رایانا * دکمه تقوا: فرهنگ جبهه

◆ آخرین حرف برای بچه‌ها؟

۱. چیزی که بچه‌ها را به بچه‌های بیرون برتری می‌دهد، استعدادشان نیست. خیلی از با استعدادها در این جا نیستند و بعداً در دانشگاه می‌آیند. تلاش و پشتکار باعث موفقیت بچه‌های ما می‌شود. هر کسی این‌ها را داشت، چه در مدرسه آی کیو اول باشد، چه آی کیو آخر (!) موفق می‌شود.

۲. علاوه بر تلاش و پشتکار، برای موفقیت، تواضع علمی هم لازم است. آقای ایمان افتخاری دو مدال طلای المپیاد جهانی ریاضی داشت، اما با ما که به اردوی مشهد می‌آمد، اگر غفلت می‌کردیم، ظرف‌های معلّمین را هم می‌شست.

۳. آخرین نکته هم قدرشناسی است. بچه‌هایی آدم حسابی می‌شوند که قدر زحمت‌های پدر و مادر و معلّمان خود را بدانند. انشاء... بچه‌ها این سه اصل را رعایت کنند تا در سه سوت موفق شوند.

◆ با تشکر از شما که وقتتان را در اختیار ما قرار دادید....



◆ اوقات فراغتتان را چگونه می‌گذرانید؟

سوالات دبل کوئیز و سوپر کوئیز طرح می‌کنم! در اینترنت search می‌کنم و برای رایانا کار می‌کنم.

◆ کتاب‌های داستانی که خوانده‌اید؟

داستان‌های هری پاتر (که از آقای نبی‌زاده گرفتم)، جلد اول قصه‌های سرزمین اشباح و بچه که بودم سری داستان‌های خوب برای بچه‌های خوب، داستان‌های مذهبی (مثل قصه‌های شگفت آیتا... دستغیب). سال سوم راهنمایی خودم را جای اول دبیرستانی‌ها جا زدم و در مسابقه‌ی کتاب‌خوانی دبیرستانی‌ها دوّم شدم (جایزه نفر اول را داشتیم و دعا می‌کردم دوّم شوم تا یک رادیو جایزه بگیرم که دعایم مستجاب شد!).

◆ آخرین کتابی که خوانده‌اید؟

کتاب «آخرین امتحان»

◆ قشنگ‌ترین فیلم‌هایی که دیده‌اید؟

آژانس شیشه‌ای، از کرخه تا راین، دوئل و کارتون‌های زمان بچگی (گوریل انگوری، تنسی تاکسیدو، یوگی و دوستان)

◆ آخرین فیلمی که دیده‌اید؟

قدمگاه

◆ قشنگ‌ترین رمانی که خوانده‌اید؟

«من و او»ی آقای امیرخانی

◆ مهم‌ترین آرزوی‌تان چیست؟

این که آقای نبی‌زاده سر و سامان بگیرند! از شوخی گذشته این که بچه‌های مدرسه در هر دو بُعد علمی و اخلاقی بطور متوازن پیشرفت کنند و عاقبت به خیر شوند.

◆ آیا از امام خمینی (ره) چیزی یادتان می‌آید؟

در مورد امام من به خود اجازه نمی‌دهم اظهار نظر کنم. فقط یک جمله از معلّم کلاس پنجم‌مان نقل قول می‌کنم. آن موقع امام هنوز در قید حیات بودند. معلّم‌مان گفت: ایشان کسی هستند که حالا که هیچی، اگر فوت هم بکنند، تا ۱۵ سال بعد از فوت‌شان هم مردم نمی‌فهمند ایشان چه کسی بوده و آنها چه کسی را از دست داده‌اند.

◆ دانشمندان مورد علاقه‌تان؟

از دانشمندان ایرانی، دکتر چمران و دکتر حسابی و از دانشمندان خارجی پرفسور عبدالسلام.



← نوشته‌ی: علیرضا نعمتی

FEDORA یا همان کلاه نمدی خودمان، نسخه جدید لینوکس از شرکت کلاه قرمزی یا همان REDHAT است. علاقمندان به سیستم عامل جذاب و قدرتمند لینوکس با سلسله مقالات کلاه نمدی همراه رایانا باشند.

این شماره: طریقه نصب

هشدار: اگر می‌خواهید از پنجرگان (ویندوز) و کلاه نمدی با هم در یک سیستم استفاده کنید، ابتدا پنجرگان را نصب کنید. زیرا سیستم‌عامل‌های مایکروسافت نمی‌توانند در کنار اجنبی‌های قبلاً نصب شده به درستی کار کنند.

ابتدا از طریق تنظیمات بایوس، تنظیمات سیستم را روی بوت شدن از CD-ROM قرار دهید. CD لینوکس فدورا را بگذارید و سیستم را ری‌بوت یا همان ری‌استارت کنید. هنگامی که صفحه خوشامدگویی کلاه نمدی را مشاهده کردید، به مرحله بعدی وارد شوید. این کار را با فشار دادن کلید Enter انجام دهید. در صورت پایین بودن مدل کارت گرافیکی امکان دارد به مرحله بعد نروید. در این صورت باید به صورت متنی کلاه نمدی را نصب کنید که در این مقال نمی‌گنجد. اگر به این حالت برخوردیدند! بی خیال کلاه

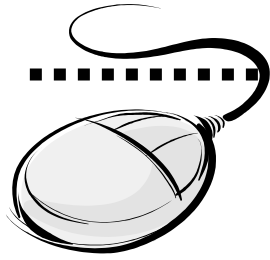
نمدی شوید. در این مرحله کلاه نمدی از شما می‌خواهد CD خود را چک کنید تا خراب نباشد. اگر از ما CD گرفته‌اید SKIP را بفشارید. در این مرحله مدل ماوس خود را انتخاب کنید و با زدن OK به محیط نصب گرافیکی وارد شوید. کلاه نمدی دوباره به شما خوشامد می‌گوید تا اگر از نصبش پشیمان شده‌اید، از هیکل گنده‌تان (نسبت به کلاه نمدی) خجالت کشیده و آن را بنصبید. Next را بزنید و دوباره

زبان کار در طول نصب را انتخاب کرده و در مرحله بعد ماوس خود را دوباره معرفی کنید. حال نوع استفاده از لینوکس را انتخاب کنید که برای کارهای در حد ویندوز و بهتر از آن، Workspace را انتخاب کنید. در این مرحله باید Partition بندی کنید و چون در این کار حرفه‌ای نیستید، بهتر است از قبل در fdisk یک درایو خود را پاک کرده و در اینجا گزینه Auto... را زده و به مرحله بعد بروید. در این مرحله سه گزینه دارید که اگر می‌خواهید به پنجرگان شما آسیبی نرسد، گزینه سوم یعنی Keep all and use

existing free space را بیانتخابید! ممکن است با اختطاری مواجه شوید که زیاد مهم نیست، ولی اگر با OK کردن آن به مرحله بعد نرفتید، یا بی‌خیال شوید یا فضای بیشتری با fdisk برای کلاه نمدی بسازید. در مرحله بعد باید بوت‌لودر (Boot Loader) خود را انتخاب کنید. تغییری ندهید چون همین خوشگل‌تر است. پس از این مرحله باید دیواره آتش (Firewall) را برای اینترنت و دیگر چیزها به راه اندازید. مستحب است که Mail و WWW(HTTP) را انتخاب کنید. زبان مورد استفاده در کلاه نمدی را انتخاب کنید. بدقتید که زبان انتخاب شده قبلی زبان در هنگام نصب بود. در مرحله بعد باید شهر خود را مشخص کنید. واجب است که

مورد Asia \ Tehran را انتخاب کنید. در مرحله بعد باید رمز عبور کاربر ریشه یا روت (منظور Root است نه روی تو) را مشخص کرده و یادتان بماند که چه انتخاب کردید. در مرحله بعد بسته‌های نرم افزاری کلاه نمدی را می‌بینید که به سلیقه خود انتخاب کرده و به مرحله بعد بروید. پس از رد شدن از این خان از هفت خان، در پنجره About to Install قرار می‌گیرید که نشان دهنده شروع نصب است. با زدن Next حدود ۲۵ دقیقه صبر کنید تا کلاه نمدی نصب شود. در این مرحله به CD 2 هم نیاز می‌شود. سپس به صفحه‌ای می‌روید که از شما می‌پرسد: «آیا مایل به ساخت دیسکت بوت هستید یا نه؟». اگر بودید، یک فلاپی خالی در دستگاه گذاشته و کمی معطل شوید. پس از این خان به خان هفتم می‌رسید. Finish را بزنید تا سیستم شما ری‌استارت شود. طریقه بوت شدن را به حالت اول یعنی بوت شدن از هارد دیسک برگردانید. در صفحه‌ای که قبلاً گفتیم خوشگل است، قراری می‌گیرید. Fedora core 1 را انتخاب کرده و در صفحه اطلاعات کاربری اسم root را نوشته و رمزی که گفتیم یادتان بماند، را بزنید. برای کار با کلاه نمدی تا رایانای بعدی صبر کنید.

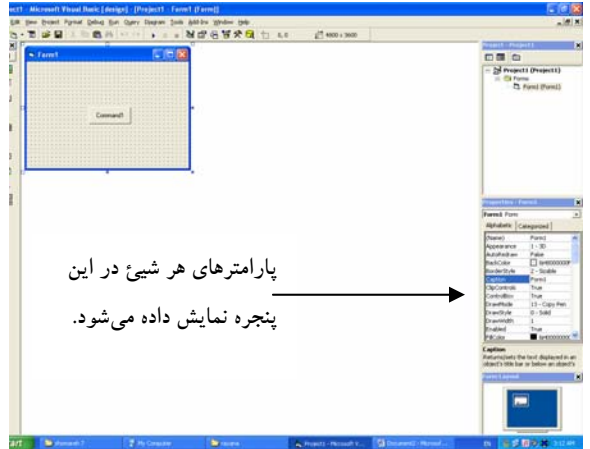
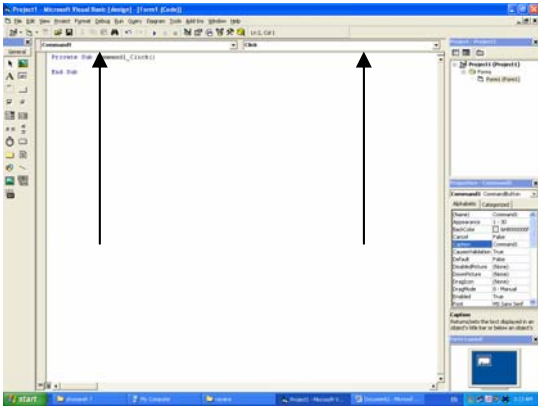




من سعی دارم تو این قسمت نکات عادی و ساده و بعضی از اصطلاحات VB را توضیح دهم.

❖ Form

فُرم، شکل و ظاهر برنامه‌ی ماست. بر خلاف QBasic در VB تزئین صفحه بسیار راحت است. برای مثال خیلی راحت می‌توان یک دکمه ایجاد کرد که در صورت کلیک کاری را انجام دهد.



نمایی از یک فرم که در آن یک دکمه ایجاد شده

❖ Code

کُد، نام پنجره‌ای است که در آن باطن و دستورات برنامه نوشته می‌شود. هر چه را که در ظاهر هست می‌توان در کد نیز کنترل کرد. در پنجره‌ی کد دو قسمت وجود دارد که به مجموع آنها روال رویداد می‌گویند. در سمت بالا و راست پنجره‌ی کد، نام شیئی است که کد درباره‌ی آن است. و در سمت بالا و چپ، عملی نوشته شده که اگر روی شیئی انتخاب شده صورت گیرد، کدهای نوشته شده اجرا می‌گردد.

❖ تعاریفی از ابزارهای داخل General

← دقت کنید که انتخاب تمام ابزارها بغیر از Pointer باعث ساخت آن ابزار می‌شود.

❶ Pointer: زمانی که می‌خواهید با ماوس کار کنید (مثلاً شیئی را انتخاب کنید)، از این ابزار استفاده کنید.

❷ PictureBox: ساخت یک جعبه که می‌توان در آن یک عکس را وارد کرد. مهم‌ترین پارامتر آن Picture است که نام عکس موردنظر است.

❸ Label: شیئی که فقط سازنده‌ی برنامه می‌تواند از خود Form یا از کد، نوشته‌ی آن را تغییر دهد. مهم‌ترین پارامتر آن Caption است که نوشته‌ی داخل Label را تعیین می‌کند.

❹ TextBox: چیزی شبیه Label با این تفاوت که کاربر نیز می‌تواند نوشته‌های داخل آن را تغییر دهد. مهم‌ترین پارامتر آن Text است که همان نوشته‌ی داخل آن است.



برنده و بازنده

← گپی و تنظیم: سید (پارسا میردهقان، پوریا طباطبایی)

برنده همیشه حلقه را تمام می‌کند.

بازنده همیشه توی حلقه بی پایان است.

برنده همیشه برنامه دارد.

بازنده همیشه بهانه دارد.

برنده می‌گوید: سه سوت برنامه را براتون

می‌نویسم.

بازنده می‌گوید: بی خیال برنامه.

برنده واسه هر **error**ی کلکی دارد.

بازنده واسه هر برنامه‌ای **bug**ی دارد.

برنده می‌گوید: شاید برنامه‌اش سخت باشه، اما

می‌شه نوشتش.

بازنده می‌گوید: شاید بشه نوشتش، ولی کو حالش؟



با تشکر از آقای جهانگیر

5 **Frame**: ابزاری که می‌توان در آن مجموعی از اشیا را ساخت به طوری که اگر **Frame** را تکان دهیم، تمام اشیا داخل آن نیز تکان می‌خورند.

6 **CommandButton**: یک دکمه که می‌توانید در روال رویداد **Click** آن کدی را وارد کنید تا در صورت کلیک بر روی آن، کد اجرا شود.

7 **CheckBox**: ابزاری که توسط کاربر تیک زده می‌شود و یا تیک آن برداشته می‌شود. مهم‌ترین پارامتر آن **Value** است که اگر مقدار آن صفر باشد تیک نخورده و اگر نه، تیک خورده است.

8 **OptionButton**: شیئی که در فارسی به دکمه‌های رادیویی معروف است و اگر چند تا از این شیئی در یک **Frame** و یا مجموعه‌ی دیگری قرار گیرد، کاربر می‌تواند فقط یکی از آنها را انتخاب کند. مهم‌ترین پارامتر آن **Value** است که اگر **True** باشد یعنی انتخاب شده و اگر **False** باشد یعنی انتخاب نشده.

9 **ComboBox**: این ابزار یک فهرست کرکره‌ای است.

10 **ListBox**: این هم یک **List** است که پارامترهای بسیاری دارد و برای همین فعلاً کاری به آن نداریم.

11 **HScrollBar**: یک **ScrollBar** افقی. چند پارامتر مهم دارد که مهم‌ترین آنها **Value** است که مقدار شیئی را نشان می‌دهد.

12 **VScrollBar**: این هم مانند قبلی است؛ فقط به صورت عمودی.

13 **Timer**: این ابزار کد مربوط به **Timer** خود را در فاصله‌ی زمانی معین اجرا می‌کند. مهم‌ترین پارامتر آن **Interval** است که زمان ذکر شده به میلی‌ثانیه (۱ ثانیه = ۱۰۰۰ میلی‌ثانیه) است.

فکر می‌کنم برای این دفعه کافی است. تا دفعه‌ی بعد خداحافظ.

← نوشته‌ی: علیرضا نعمتی

اگر شما بر روی Keyboard خود کلید Ctrl + Enter را بزنید، می‌توانید حرکت ساخته شده خود را ببینید. در این نمایش بعد از این که یک بار حرکت را نشان می‌دهد، دوباره آن را از اول پخش می‌کند. برای این که این کار صورت نپذیرد، شما به محیط نرم‌افزار برگردید و در Timeline خود بر روی انتهای حرکت کلیک کرده و در پنجره Action - Script در قسمت Movie Control بر روی گزینه Stop دو بار کلیک کنید تا دستور Stop در قسمت کناری قرار گیرد. با توجه در Timeline می‌فهمید که در فریم آخر در بالای نقطه‌ای که قبلاً داشتیم یک a کوچک درج شده است. این علامت نشانه‌ی آن است که در این فریم دستوری مثل Stop نوشته شده است. برای تنظیمات صفحه کار در منوی Modify بر روی زیر منوی Document کلیک کنید و در پنجره جدید مثلاً Background صفحه را تغییر دهید. حال بر روی منوی play زیر منوی Test Movie را کلیک کنید تا کار خود را ببینید و لذت ببرید. البته به جای دایره می‌توان از اشکال دیگری استفاده کرد و رنگ آن و رنگ محیط آن و حتی شکل و ضخامت محیط آن را در پنجره‌های Color Mixer و Properties تغییر داد. برای نگهداری انیمیشن ساخته شده در منوی File زیر منوی Save As را زده و محل ذخیره آن را انتخاب کنید و گزینه Save را کلیک کنید.

برای ساخت یک انیمیشن ساده در فلش:
ابتدا یک صفحه جدید به طریق زیر باز کنید:

File (Tab) → New
سپس با استفاده از ابزار Circle Tools یک دایره بکشید. بعد اندازه آن را به حد دلخواه برسانید و دایره را انتخاب کنید تا سطح آن به صورت نقطه‌چین‌های مشکی رنگ درآید. سپس در منوی Insert زیر منوی Create Motion Tween را انتخاب کرده و بر روی پنجره Timeline کلیک کنید تا در پنجره Properties مشخصات مربوط به Timeline ظاهر شود. شما می‌توانید در این پنجره کارهای زیادی را از جمله تغییر تعداد frameها در ثانیه، انجام دهید. این عدد خوب

است که ۲۴ یا ۱۲ باشد. بر روی Timeline زیر یک شماره کلیک کنید و بر روی keyboard کلید F6 را بزنید. ملاحظه می‌کنید که پیکانی از 0 تا آن شماره که شما انتخاب کرده بودید، کشیده می‌شود. اکنون دایره‌ی خود را در صفحه سفید (Stage) به سمتی حرکت دهید. حال می‌توانید نوار Timeline را با حرکت ماوس خود به عقب برده و حرکت را مشاهده کنید. برای گذاشتن صدای دلخواه خود روی حرکت از منوی File زیر منوی Import To Library را کلیک کرده و در پنجره جدید آهنگ خود را انتخاب کنید و کمی صبر کنید تا کار آن تمام شود. سپس از منوی Window زیر منوی Library را انتخاب کنید. در پنجره جدید آهنگ مورد نظر شما وجود دارد. آن را با گرفتن و کشیدن بر روی صفحه به Motion خود اضافه کنید.



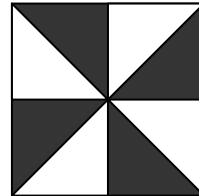
یک سؤال ۲۴ جواب

پژوهشی یک سوال امتحانی

← نوشته‌ی آقای شهشهانی

PRINT (a^2)/2
PRINT a*a/2
PRINT (a*a)/(4/2)
h=a*a
k=h/2
PRINT h-k
b=(a^2)/8
PRINT b*4
m=a/2
s=m^2/2
PRINT s*4
b=a^2
c=b/2
PRINT c
b=a/2
PRINT ((b*b)/2)*4
PRINT (((a/2)^2)/2)*4

در امتحان پایان ترم اول کامپیوتر پایه اول، سوالی مطرح شده بود به این شرح:
ببک با گرفتن اندازه ضلع مربع، مسامت قسمت سفید را محاسبه کند.



دانش آموزان دانشمند پایه اول، هریک این مسأله را از راهی منحصر به فرد حل کردند که در جدول مقابل برخی از آن‌ها را آورده‌ایم (دستور a Input در همه‌ی راه حل‌ها آمده بود، لذا ما آن را دیگر نمی‌نویسیم).

LCD مانیتورهای

← نوشته‌ی سها سقزاده

تا پیش از دهه‌ی هفتاد، کلیه‌ی تلویزیون‌ها و مانیتورها بر اساس تکنولوژی CRT (cathode-ray-tube) ساخته می‌شدند. این نمایشگرها به علت داشتن لوله‌ی خلأ به ناچار دارای ابعادی بزرگ بودند. در اواسط دهه‌ی هفتاد دانشمندان با کمک کریستال مایع توانستند نمایشگرهای جدیدی بر اساس تکنولوژی LCD (Liquid-Chrysal-Display) تولید کنند. در طول سه دهه تمام نقاط ضعف این نمایشگرها بر طرف شد و به مرور جایگزین نمایشگرهای معمولی شدند. این تکنولوژی باعث پدید آمدن وسایلی همچون کامپیوترهای notebook و تلفن‌های همراه شد. این نمایشگرها از چند لایه تشکیل شده‌اند: فیلتر دوقطبی، ورقه‌ی شیشه‌ای، الکترو، لایه‌ی تطبیق و فیلتر دوقطبی. شیشه‌ی مورد استفاده نه باید ضخیم باشد که کیفیت پایین بیاید، نه آن قدر نازک که به راحتی بشکند. در میان دو لایه‌ی شیشه‌ای به تعداد درجه‌ی وضوح (resolution) قابل نمایش LCD، ترانزیستورهای ریزی به نام TFT یا Thin Film Transistor وجود دارد. یک فیلتر رنگ در مقابل ترانزیستورها که رنگ‌های سبز، قرمز و آبی را تولید می‌کند، قرار دارد.

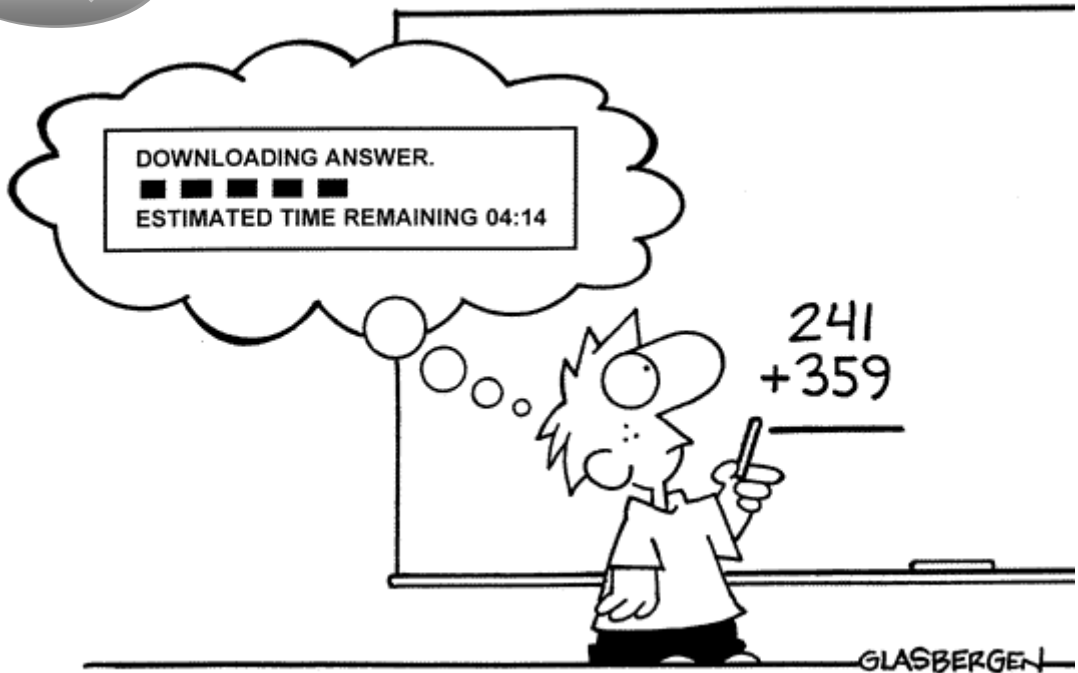
بازم به وسایل قدیمی:

با این همه خوبی که LCD دارد، اما هنوز در بعضی موارد ضعف دارد. بعضی وقت‌ها برای بعضی بازی‌ها گفته می‌شود که مثلاً وضوح ۶۰۰×۸۰۰ بهتر است. در مانیتورهای CRT شما اگر میزان وضوح را تغییر دهید باز هم از تمامی صفحه استفاده می‌کنید، اما هنگامی که همین کار را در LCD انجام می‌دهید، خواهید دید که قابی سیاه رنگ دور صفحه‌ی مانیتور را می‌گیرد.



- مجله‌ی رایانا تولد ۴۱ سالگی سری جدید خود را جشن گرفت. در این جشن به جناب آقای دکتر بریری پسر و پدرشان به پاس همه‌ی کمک‌های شایان خود لوح تقدیری اعطا شد.
- سیاوش آذرگشسب پسر(۱) در حال نوشتن چند لطیفه برای شماره‌ی جدید سکتته کرد. تا به حال کسی برای کشف علت سکتته، جرأت خواندن لطیفه‌ها را به خود نداده است.
- مجله‌ی راه سبز دومین شماره‌ی خود را منتشر کرد. گفتنی است تیراژ این مجله ۲۰ نسخه بوده که تا لحظه چاپ این خبر یک شماره از آن به فروش رفته است که آن را هم سردبیر مجله خریده است.
- هزار و هفتصد و شصت و سومین شماره‌ی رایانا امروز چاپ شد. تعداد صفحات این شماره ۵۰۰ صفحه بود.
- امروز فرزندان و نوه‌های آقای قلی‌زاده برای بازدید یک‌روزه به سایت مدرسه آمدند. چون آقای قلی‌زاده حق پدربزرگی برای سایت مدرسه دارند، امروز مدرسه برای این بازدید تعطیل بود. گفتنی است این افراد با سه دستگاه اتوبوس به مدرسه آمدند.
- طی یک اقدام انتحاری، اعضای هیات تحریریه راه سبز، ۱۰۰۰ نسخه از شماره‌ی جدید رایانا را به آتش کشیدند. گفتنی است حال دو تن از این افراد به علت سوختگی شدید، وخیم است.
- امروز رئیس جمهور ونزوئلا از ساختمان جدید مجله رایانا که یکی از زیباترین بناهای قرن است، بازدیدی به عمل آورد. فیگو چاوز (پسر هوگو) مجله‌ی رایانا را یکی از افتخارات کشور ایران خواند که مشیت محکمی بوده است بر دهان مستکبران.
- هفته گذشته اعضای هیات تحریریه رایانا به همراه آقای جهانگیر (در سن ۹۸ سالگی) بر سر مزار آقای نبی‌زاده رفتند و با خواندن فاتحه یاد و خاطره او را گرامی داشتند.
- آقای قلی‌زاده پس از سعی و تلاش طاقت‌فرسا در سایت کامپیوتر، بالاخره بعد از ۴۰ سال مدال خشن‌ترین مسؤول سایت دنیا را کسب نمود. مجله رایانا این موفقیت را به ایشان و فرزندان و نوه‌های ایشان تبریک می‌گوید.

لبخند



گزارشچه‌نامه‌ای از کارسوق تفریحی کامپیوتر دومها

← خبرنگاران رایان: آرش پدیچ مدیری، سید شایان شمس شعاعی

***** ساعت ۸ صبح ۱۳/۱۲/۱۴ *****

یک عده آدم لنگ و لوچ و شفت و شل و یه‌وری و ... که صبح جمعه خواب از کله‌شون پریده بود، الکی به اسم کارسوق کامپیوتر جمع شده بودند در مدرسه دنبال یک توپ می‌دویدند. البته همه‌ی اینا قبل از ورود آقای شهشهانی (نفس الانفاس ") بود.

***** بمد از ورود *****

واقعه‌ی اصلی از همین جا شروع شد:

سخنرانی، یکی از بخش‌های اصلی و رسمی کارسوق‌های کامپیوتر است. این بار این سخنرانی درباره‌ی Flash (فلش)، کاربردها، تاریخچه و ... بود و توسط آقای حسینی - معلم کامپیوتر سال‌های نه چندان دور مدرسه - ایراد شد.



ایشون خیلی سر به زیر بودند.



چیه؟ دوربین ندیدین؟

***** در حاشیه سخنرانی *****



بدون شرح بدون شرح بدون شرح بدون شرح بدون شرح بدون شرح بدون شرح بدون شرح بدون شرح بدون شرح بدون شرح بدون شرح بدون شرح بدون شرح بدون شرح

***** بازی *****

بعد از پذیرایی، دانش آموزان را به دو قسمت تقسیم کردند؛ نیمی از آنها به سایت و بقیه به سمت زمین فوتبال سرازیر شدند.

☺☺☺ با عرض شرمندگی، عکس‌ها اینجا جا نمی‌شه. به صفحه بعد مراجعه کنید...



① این از بازی فکری ش:

آدم واقعاً لذت می‌بره این بچه‌های ناز رو می‌بینه!
از قدیم گفتن: "کار بدون فکر نمی‌شه"



استاد سیاحتگر

② این هم از فوتبالش:

حتماً تو گله!

***** اول نهار، بعد از نماز *****

دو نماز به امامت آقای آرزین - دامت برکاته - و بعد از آن هم نفری یک پرس غذا با نوشابه (اسم غذا را نوشته بودیم؛ سانسور شد).

***** فیلم *****

یک فیلم باحال که اسمشو نمی‌گم (تا شما باشید تو کارسوق شرکت کنید). البته لازم به ذکر است CD دوم این فیلم در اثر توطئه‌های تنی چند از عناصر معلوم‌الحال پخش نشد تا مشمت محکمی باشد بر دهان یاوه‌گویان کارسوق ندیده‌ی شرق و غرب.

***** اختتامیه *****

صحبت‌های آقای سیاحتگر + جوایز مسابقات فوتبال و بازی کامپیوتری + هدیه عمومی + شیرینی + خداحافظی



اگر بار گران بودیم و رفتیم ... خونه‌مون!

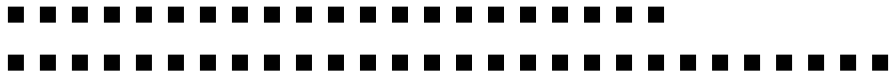
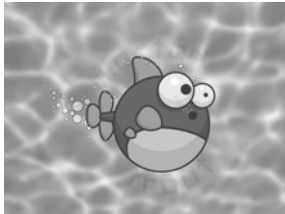


حتی آقای جهانگیر هم محو کارسوق شده بودند.

اخبار پیش از کارسوق

- تعداد قابل توجهی از ثبت نام کنندگان که اسمشان توسط آقای قلی زاده ثبت نام شده بود و ظاهراً ربط ناچیزی به پایه دوم داشته اند، در هنگام قرعه کشی اسمشان به طرز مرموزی ناپدید شده بود.
- قرعه کشی کلاس‌ها دوشنبه شب و توسط آقای آزین صورت گرفت.
- یکی از برو بچ ۲/۱ تا آخرین ساعات پیش از برگزاری کارسوق، به طور مدام در گوش معلمان ویز ویز می کرد که "آقا! اگه جای خالی دارین منم بیام!"
- مسؤولان برگزاری کارسوق با ایده جالبی از معلمان محبوب غیر کامپیوتری پایه دوم دعوت کردند که از این بین آقایان سید جلالی، حسینی (فیزیک)، کیهانی و بصیری افتخار دادند و دعوت گروه کامپیوتر را صمیمانه پذیرفتند.
- بنا به استقبال بیش از حد انتظار دانش آموزان، معلمان گروه درصدد افزایش ظرفیت کارسوق برآمدند که متأسفانه تلاش معلمان به دلیل کمبود فضاهای آموزشی-تفریحی مدرسه نتیجه ای در بر نداشت.
- برخی از دانش آموزان که از انصراف هم کلاسی های خود ناامید شده بودند، همگی به طور شگفت انگیزناکی خواهان عضویت در رایانا و آن هم در سمت خبرنگاری بودند!

گروه کامپیوتر به پاس زحمات و تلاش های معلمان محبوب و دلسوز آقایان سید جلالی، حسینی (فیزیک)، کیهانی و بصیری در کارسوق پایه دوم، نشان ویژه ی مرام و معرفت گروه کامپیوتر را به این عزیزان تقدیم می کند. انشاء... صد سال زنده باشند.



اسامی افرادی که جواب درست جدول شماره قبل را داده بودند

پایه ی اول و دوم:

علیرضا فرهمند نکو، سید حامد مقیمی، محمد محمودی، رامین علیان، رضا افشاریان، رضا صفوردی

پایه ی سوم:

امید مرادخانی، پویا انتظاری، امیر تقدیری، همتی، نیما بنی اسدی، امیر نصرا... پور، فرزاد امیری، جلال الدین مهر اردستانی، علیرضا حسینی، میلاد قهاری، سید بهنود مومن زاده، علیرضا سیدرضایی، میلاد حمزه ای، محمد امین خودکار، مجید احدی، شهاب مرادی

اسامی برندگان: در صفحه ۳۰

جواب جدول شماره قبل

۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
د	ی	و	س	ی	د	ی	و	ی	د
د	س	ک	م	س	ر	س	ا	ا	د
س	ر	و	ک	ن	ک	س	د	و	د
ا	س	ر	ت	م	ا	س	ر	س	ر
ن	ن	م	و	ن	ر	و	ن	س	ه
ی	ر	س	ر	س	ر	و	ک	ا	م
س	م	ک	س	س	ه	س	ف	ف	ک
س	س	ر	د	ا	م	س	ز	د	ی
د	س	م	ر	ی	ر	ک	چ	ا	ش
ز	ب	س	ن	ی	ط	ا	ل	س	س



اخبار پایه دوم

☺ سوپر کوئیز دوم پایه دوم

سوپر کوئیز دوم پایه دوم اواسط اسفند ماه برگزار شد. بسیاری از بچه‌ها می‌گویند این سوپر کوئیز سخت بود، اما گروه کامپیوتر به شدت این موضوع را تکذیب کرده و گفته آخه سؤال نانوایی هم مگه سخت می‌شه!؟

☺ تورنومنت پایه دوم

طبق خبرهای واصله، بعد از بازگشت سوم‌ها از اردوی پایه‌ای، ششمین تورنومنت کامپیوتر برگزار خواهد شد. لازم به توضیح است دو دوره‌ی اول این تورنومنت بین مراکز علامه‌حلی (۱) و (۲) مشترک بود و از دوره‌ی سوم به بعد داخل مدرسه خودمان برگزار شده است.

☺ برنامه‌های سرّی پنجمین تورنومنت پایه‌ی دوم

پیش‌بینی می‌شود تورنومنت امسال تفاوت‌هایی اساسی با دوره‌های قبلی داشته باشد، از جمله آن که:

- ۱- یک مرحله مسابقه‌ی سرعتی (روز اول) و یک دوره مسابقه‌ی الگوریتمی (روز دوم)
- ۲- استفاده از دو سایت به طور همزمان و چرخشی
- ۳- سخنرانی مخترع ماوس سایبرنتیک
- ۴- مسابقات فوتبال Y2K !
- ۵- یه شام خیلی توپ!
- ۶- برنامه‌های تفریحی شاد
- ۷- و بالاخره برنامه‌ی گیگیلی (برای اولین بار در تاریخ علامه حلی)

مسئول این برنامه آقای نبی‌زاده هستند.

☺ گیگیلی در تورنومنت

همان طور که می‌دانید برنامه گیگیلی که قرار بود در کارسوق کامپیوتر پایه دوم برگزار شود، به دلیل کمبود وقت لغو شد. مسؤولان برگزاری تورنومنت پایه دوم قول داده‌اند این برنامه را در تورنومنت برگزار کنند. گفتنی است این برنامه برای اولین بار در تاریخ گروه کامپیوتر علامه حلی اجرا خواهد شد و احتمالاً مثل توپ در دنیا صدا خواهد کرد.

☺ تیم کامپیوتر علامه حلی: بعد از اردوی پایه‌ای

بنا به تصمیم گروه کامپیوتر، چهل درصد امتیاز شرکت‌کنندگان در تورنومنت امسال را وضعیت فعالیت و کار کلاسی دانش‌آموزان تشکیل می‌دهد. به همین دلیل معلمان کامپیوتر پایه دوم در آخرین جلسه سال ۸۳ مهلت انتخاب تیم را تا بعد از اردوی پایه‌ای سال دوم تمدید کردند. از همین جا به همه‌ی سال دومی‌ها توصیه می‌کنیم قدر ایام عید را برای انجام پروژه‌های فردی و شرکت در مسابقه ب‌ب‌م بدانید.

☺ ب‌ب‌م ۱۲ ساله شد

دوازدهمین دوره مسابقات ب‌ب‌م (بهترین برنامه‌نویس مدرسه) اردیبهشت ماه برگزار می‌شود. همان طور که می‌دانید (یا شاید هم نمی‌دانید) داوران این مسابقات، یک تیم از معلمان و ۴ نفر از دانش‌آموزان پایه اول خواهند بود که این ۴ نفر ۴۰ امتیاز را در اختیار دارند. این داوران با رأی دانش‌آموزان کلاسشان انتخاب می‌شوند (جزئیات بیشتر بعد از نوروز اعلام می‌گردد). زمان داوری مسابقه یک هفته بعد از برگزاری تورنومنت پایه دوم خواهد بود.

☺ و اما امسال بهترین برنامه‌نویس مدرسه چه کسی خواهد بود؟

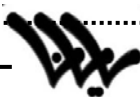
پارسال به خاطر کیفیت پایین برنامه‌های شرکت‌کننده در مسابقه، گروه کامپیوتر (برای اولین بار در تاریخ علامه حلی) کسی را لایق عنوان بهترین برنامه‌نویس مدرسه ندانست. معلمان گروه امیدوار هستند امسال برنامه‌نویسان پایه‌های دوم و سوم با شرکت دادن برنامه‌های خود، این عنوان تاریخی و ماندگار را از آن خود نمایند.

☺ رکورد دست دوم‌ها!

در طی یازده دوره گذشته مسابقه ب‌ب‌م، ۹ دوره عنوان بهترین برنامه‌نویس مدرسه از آن پایه‌ی دوم و تنها یک دوره از آن پایه سوم شده است. آقایان شهشانی و جهانگیر (معلمان امسال پایه‌ی سوم) امیدوارند امسال سوم‌ها یک بار دیگر (برای دومین بار) این عنوان را از آن خود کنند.

☺ مشق عید

از آنجا که معلمان گروه کامپیوتر دلشان برای اوقات فراغت بچه‌ها می‌سوزد، تصمیم گرفتند امسال هم از خودشان مشق عید تولید کنند تا عید بچه‌ها خراب نشود.





و نام او را لو نداده است. او گفته من تنها در حضور وکیلیم صحبت خواهم کرد.

جبران آبرومندانه سوتی

در شماره قبل برگه‌ای ضمیمه رایانا بود که برای پاسخ جدول در نظر گرفته شده بود. دست‌اندرکاران رایانا این راه را بهترین راه برای ماست‌مالی سوتی چاپ جلد تشخیص داده بودند.

جلسه فوق مهم

چند هفته پیش رایاناییان یک جلسه خیلی مهم داشتند. در این جلسه شورای سردبیری معین شدند (سید پارسا میردهقان، فواد صمدنژاد، سها سقازاده، سید پوریا طباطبایی و سید مهران خلدی). این افراد وظیفه کمک به سردبیر برای اثبات لیاقت خود را دارند. گفتنی است به احتمال ۶۷٪ ، سردبیر بعدی از میان این ۵ تن انتخاب خواهد شد. همچنین دو خبرنگار رایانا هم در این جلسه انتخاب شدند (سید شایان شمس شعاعی و آرش بدیع مدیری) که اولین کارشان (گزارش کارسوق) را در این شماره ملاحظه می‌کنید.

راه سبز، دوستت داریم!

با خبر شده‌ایم قرار است یک مجله دیگر هم در مدرسه چاپ شود. نشریه وزین رایانا همین جا روی ماه دست اندرکاران این مجله را می‌بوسد و انتشار این مجله را به اهالی علم و فرهنگ و ادب و هنر تبریک می‌گوید. امیدواریم این مجله بتواند گوشه‌ای از موفقیت‌های رایانا را تکرار کند!

آقای X کجایی که یادت بخیر؟

باخبر شدیم آقای X در یک اقدام بشردوستانه از عضو سابق هیأت تحریریه رایانا عبادتی به عمل آورده است. همچنین شنیدیم پس از این که قسمت سوم داستان‌های یه گله بز به قلم میرزا تقی خان اشپلیوس منتشر شد، طرفداران آقای X طی یک ای‌میل با لحن تند

او را مخاطب قرار داده و گفته‌اند: ای اشپیل! از کی تا حالا پا تو کفش آقای X می‌کنی؟ اشپلیوس هم در جواب تنها یک جمله نوشته و آن این بوده که: این حرف‌ها بع بعی بیش نیست.



اندر حواشی فروش شماره ششم

شماره قبل رایانا، ویژه‌نامه دهه فجر بود که در ۲۸ صفحه چاپ شد (مثل این که قراره تمام شماره‌های رایانا به صورت ویژه‌نامه چاپ شود). این شماره در نوع خود توانست رکورد قبلی فروش یک مجله در دنیا (که آن هم متعلق به شماره اول رایانا بود) را بشکند و آن را ۱۰ دقیقه ارتقا دهد، به طوری که

طبق گزارشات واصله از خیل عظیم رایانادوستان مدرسه، ۱۲۰ نسخه‌ی چاپ اول شماره قبل در عرض ۲۰ دقیقه تمام شد. استقبال بچه‌ها باعث شد مسؤولین رایانا دست به چاپ دوم بزنند. گفتنی

است در روز فروش چاپ دوم رایانا، عده‌ای از رایانادوستان که به خواب هم نمی‌دیدند بتوانند این شماره را تهیه کنند، از خوشی دچار حالت‌های جنون‌آمیز شده، تعادل روحی و روانی خود را از دست داده، به شیشه‌ی سالن ورزش برخوردند و آن را کمی تا قسمتی شکاندند. این شد که از مقامات بالا دستور رسید که بساط فروش رایانا را جمع کنید، وگرنه احتمال دارد رایانادوستان

از فرط شادی، ساختمان جدید مدرسه را با خاک یکسان کنند. مجله رایانا همین جا از تمامی رایانادوستان می‌خواهد بر عواطف و احساسات خود غلبه کنند و کاری نکنند که چهار روز دیگر مدیر

مسئول رایانا را پشت میز محاکمه دادگاه مطبوعات ببینیم. البته عده‌ای دیگر عقیده دارند، این ماجرا از اساس زیر سر گروه ایکسیان (از اعوان و انصار آقای X) بوده است که در پی انتقام از میرزا تقی خان اشپلیوس به این کار دست زده‌اند. میرزا تقی خان طبق معمول در جواب این عده گفته است: همه جا پیدا می‌شود!

اشپلیوس کیست؟

گفتنی است در پی چاپ داستان‌های یه گله بز شماره قبل، عده‌ای از معلمان درصدد شناسایی میرزا تقی خان اشپلیوس بر آمده و مرتب از مدیر مسئول رایانا می‌پرسیدند که این شخص کیست؟ مدیر مسئول رایانا تا لحظه چاپ این خبر زیر فشارها مقاومت کرده



اشاره: چون در حال حاضر، غیر از رایانا، مجله‌ی دیگری در مدرسه منتشر نمی‌شود، برای انعکاس اخبار مدرسه، تصمیم گرفتیم بخش خبرهای غیر کامپیوتری را ایجاد کنیم.

1 مسابقه‌ی تزئین کلاس و اجرای مراسم صبحگاه در دهه فجر امسال برگزار شد. بچه‌های مدرسه در مراسم دهه فجر با شور و شوق خاصی کلاس‌های خود را تزئین کردند. قرار بود برندگان مسابقه‌ی تزئین کلاس‌ها را به سینما ببرند و حتی بلیط‌های جشنواره فجر هم خریداری شده بود، اما روز ۱۷ بهمن، که بلیط‌ها برای آن روز گرفته شده بود، به دلیل بارش برف تعطیل شد و برندگان این مسابقه از جایزه بی‌نصیب ماندند. بهترین‌های این مسابقه عبارت بودند از: ۱/۲، ۱/۴، ۲/۲، ۲/۴ و ۳/۱.

2 مسابقه‌ی کتاب‌خوانی از کتاب «آخرین امتحان» سه هفته قبل برگزار شد. گفتنی است امتحان این مسابقه کتاب باز بود. دو نفر از پایه سوم و یک نفر از پایه اول برندگان این مسابقه بودند.

3 سمینار امسال علامه‌حلی دچار بدشانسی مفرط شد، به طوری که از سه روز این سمینار، دو روز در اثر بارش برف تعطیل شد. اما بچه‌ها از همان یک روز سمینار که برگزار شد، بسیار راضی بودند و از بابت دو روز تعطیل شده تأسف می‌خوردند. شاید این تنها تعطیلی قرن بود که باعث ناراحتی بچه‌ها شد.

4 کارسوق بلایای طبیعی در ماه بهمن برگزار شد. در این کارسوق دوم‌ها شرکت داشتند.

5 اردوی اول‌ها در ماه اسفند برگزار شد. اولی‌ها امسال به استان خوزستان رفتند. می‌خواستیم در این شماره گزارشی از این اردو چاپ کنیم، اما به علت نبود جا و نرسیدن گزارش منصرف شدیم.



6 اردوی نیم‌روزه‌ی زیارت مزار شهدا و حرم امام خمینی^(ع)، چهارشنبه هفته گذشته با همراهی آقایان عربشاهی، رادمهر، ساداتی و نبی‌زاده (و صد البته آقا اسد...) برگزار شد. از اتفاقات جالب این اردو می‌توان به کشف یک سنگ قبر جدا شده از قبر اشاره کرد که باعث ایجاد رعب و وحشت در اردو گردید. همچنین دانش‌آموزان تیزهوش مدرسه، در هنگام ورود به حرم اشتباهاً داشتند از در خانم‌ها وارد می‌شدند که با تیزی معلنان همراه، قبل از دستگیری توسط مأموران، این اشتباه تصحیح شد. در ضمن قرار نبود شام به بچه‌ها بدهند، اما به علت تأخیر، شام هم به همه داده شد (تا باشه از این تأخیرها باشه). آقای عربشاهی و آقای رادمهر در جای جای بهشت‌زرها برای بچه‌ها از شهدا تعریف می‌کردند.

7 در یکی از کلاس‌ها، معلمی به دلیل پر حرفی یکی از دانش‌آموزان کلاس را ترک کرد. اما به دلیل اصرارهای مکرر به کلاس بازگشت (خدا و کیلی اینم شد خبر؟!).

8 دوشنبه‌ها صبح ساعت ۷/۵، مراسم زیارت عاشورا در نمازخانه مرکز برقرار است. التماس دعا.

9 طبق گزارشات واصله، استقبال از کلاس «تا بی‌نهایت» آقای رادمهر که چهارشنبه‌ها ساعت ۲ تا ۳ برگزار می‌شود، به طور صعودی در حال افزایش است؛ به طوری که در جلسه سوم این کلاس که چهارشنبه هفته قبل برگزار شد، با این که سوم‌ها فرادایش کنکور داشتند و طبیعتاً نمی‌توانستند شرکت کنند، حدود ۴۰ نفر حضور داشتند. مجله رایانا از آقای رادمهر و آقای حائری که این کلاس مفید را برگزار کرده‌اند، تشکر می‌کند. در کنار کلاس‌های فوق برنامه علمی متعددی که در مدرسه برگزار می‌شود، واقعاً جای یک کلاس معرفتی (آن هم درباره وجود مقدس امام زمان^(عج)) خالی بود.

10 در کلاس ۲/۴ بچه‌ها برای هر کاری به انتخاب خود افرادی را برگزیدند تا به کارهای کلاس رسیدگی کنند. این کارها به دو قسمت در حال اجرا و در آینده تقسیم می‌شوند:
در حال اجرا: سفره ناهار - سفره هفت سین و مراسم مربوطه - سایت کلاس - نشریه کلاس
در آینده: پوشش اردوها (مثل: گرفتن عکس و فیلم و تهیه سفرنامه و ...) - برنامه‌ریزی برای جلسه آخر کلاس - سی‌دی یادگاری کلاس (از خاطرات سال تحصیلی)



← نوشته‌ی: سید پارسا میردهقان

www.proofpositive.com



در این سایت یک مجله رایگان حاوی مطالب و اطلاعات مفید برای نویسندگان و ناشرانی است که مایل به فروش آثار خود در جهان هستند. در این سایت همچنین آخرین اخبار و تحلیل‌ها در مورد کتاب‌ها و نرم افزارهای جدید را نیز خواهید یافت.

www.pewin.com



اگر به دنبال نرم افزار تحت ویندوز هستید به این سایت بروید. همچنین اگر پرسشی در مورد ویندوز دارید در این سایت پاسخ خود را خواهید یافت.

www.nytimes.com



از طریق این سایت می‌توانید مشترک روزنامه نیویورک تایمز شوید و هر روز مقالات و اخبار آن را مطالعه کنید (البته چاخن‌هایش را باور نکنید).

www.creativity.com



در این سایت می‌توانید به جدیدترین مقالات جالب و خواندنی برای نوجوانان ۸ تا ۱۴ سال دست یابید. این مجله اینترنتی در ماه دوبار چاپ می‌شود.

www.retirmenwithapurpose.com



این وبسایت دارای مقالات ورزشی بسیاری است و شما را تشویق می‌کند تا در رشته ورزشی مورد علاقه خود بی‌نظیر باشید و یا رشته جدیدی را امتحان کنید.

www.pianoproduction.org



این سایت شامل کنسرت‌های پیانوی بسیار جذابی است که از ۲ تا ۲۵ استاد پیانو با سازهای ضربی آنها را نواخته‌اند. همچنین شامل نمایش‌هایی از جان کازار پیانیست معروف است.

www.kidstockmontna.com



در این سایت می‌توانید انواع لالایی‌های جهان را بیابید و همچنین مجموعه‌ای جالب از اسباب‌بازی‌ها و هدایا و موسیقی در این سایت وجود دارد.

www.clutterbugo.net



با مراجعه به این سایت می‌توانید شیوه اصلاح بی‌نظمی کودکان را بیاموزید (قابل توجه مادران عزیز).

www.123greetings.com



این سایت حاوی کارت پستال‌های مجانی با عناوین مختلف می‌باشد. شما بعد از انتخاب کارت پستال مورد علاقه خود می‌توانید قلم و محیط آن را طبق نظر خود عوض کنید. بعد از این کار اسم و آدرس پستی خود را در جاهای تعیین شده بنویسید تا این کارت برای شما فرستاده شود.

www.eat.epicurious.com



شاید سایت‌های معروف آشپزی، دستورهای آشپزی و توصیه‌های بسیار جالبی ارائه دهند، اما هیچ کدام مانند EPICURIUS حاوی دستور پخت ابتدایی‌ترین تا عجیب‌ترین غذاها نیستند.

 Creativity.com
cultivating ideas



 KIDSTOCK
Unique clothing and accessories. INC



باشگاه دانش آموزی نانو www.nanoclub.ir

← نوشته‌ی: آقای بصیری

معرفی رسمی

این سایت یک باشگاه اینترنتی درباره فناوری نانو به زبان فارسی است. در این سایت سعی شده است که مفاهیم و کاربردهای فناوری نانو به زبانی ساده بیان شود. می‌توانید مقاله‌ها و شبیه‌سازی‌های مختلفی را در سایت ببینید. علاوه بر این می‌توانید مطالب سایت را با توجه به مطالعات خودتان اصلاح کنید یا مطالب جدیدی به آنها اضافه کنید. فعالیت‌های مختلفی هم طراحی شده که می‌توانید آنها را در خانه یا مدرسه انجام دهید. همین‌طور می‌توانید در مسابقه‌های باشگاه شرکت کنید و جایزه بگیرید.

این سایت با حمایت ستاد ترویج فناوری نانو و توسط بنیاد توسعه فردا طراحی شده است. از مقاله‌های دانش آموزی هم به شدت استقبال می‌کند.

باشگاه دانش آموزی نانو توسط بنیاد توسعه فردا و به سفارش ستاد ویژه توسعه فناوری نانو راه‌اندازی شده است تا با تولید محتوای فارسی در این حوزه به زبان ساده، دانش‌آموزان و نوجوانان و کلیه افراد علاقه‌مند را با مفاهیم فناوری نانو آشنا کند. هدف از ایجاد این باشگاه، افزایش سواد و درک علمی دانش‌آموزان نسبت به فناوری نانو، تشویق آنان به مطالعه و تحقیق در زمینه‌های مختلف فناوری نانو، معرفی زمینه‌های شغلی و کسب درآمد در آینده از طریق فناوری‌های نوین و تولید محتوای علمی-آموزشی فارسی و مستند در اینترنت برای دانش‌آموزان و معلمان می‌باشد.

رویکرد آموزشی باشگاه نانو

علوم، مجموعه دانش‌های درهم تنیده‌ای است که نمی‌توان آن را فارغ از گرایش‌ها و زمینه‌های مختلفش مطالعه کرد و فناوری نانو عرصه تجلی این درهم‌تنیدگی است. ویژگی‌های فناوری نانو بهانه خوبی برای تحول در روش‌های آموزشی فراهم آورده است. در واقع آشنایی دانش‌آموزان با فناوری نانو باعث بالا رفتن سواد علمی آنها در زمینه‌های فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و علوم مواد در سطح مولکولی می‌شود و کمک می‌کند تا کاربردهای مختلف ریاضیات را نیز حس کنند. به عبارت دیگر رویکرد آموزشی این باشگاه، آموزش درهم‌تنیده زمینه‌های مختلف علوم با تأکید بر کاربرد آن در فناوری نانو می‌باشد.

فعالیت‌های باشگاه

- انتشار مقاله‌های علمی
- ارائه فعالیت، سرگرمی و آزمایش‌های مختلف در ارتباط با نانو
- برگزاری مسابقات دانش‌آموزی
- پروژه‌های دانش‌آموزی
- انتشار خبرنامه الکترونیکی برای اعضای سایت

آگهی

آقای بصیری دوست داریم!

گروه کامپیوتر ضمن تشکر ویژه از جناب آقای بصیری (معلم محبوب شیمی پایه‌ی دوم مدرسه) به اطلاع خوانندگان محترم رایانا می‌رساند که تبلیغ‌های ضمیمه‌ی نشریه به همت ایشان و همکاران محترم ایشان در بنیاد توسعه فردا، تهیه شده و به خوانندگان رایانا هدیه شده است. رایانا در اینجا اعلام می‌دارد: ما منتظر دومیش هستیم، هیچ‌جا نمی‌رییم همین‌جا هستیم...

جورچین ریاضی

حسام سعد

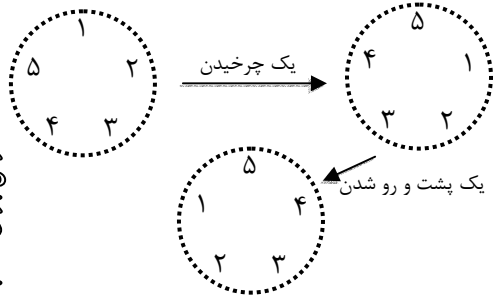
ستون‌های ای جدول را طوری جابه‌جا کنید که در هر یک از چهار سطر یک رابطه درست ریاضی حاصل شود.

=	-	9	7	1	6
÷	3	6	0	5	=
1	4	2	=	8	+
*	=	7	7	4	9

گردن‌بند

نوشته‌ی آقای میبدی

فرض کنید یک گردن‌بند داریم که در آن n مهره به رنگ‌های ۱ تا n با یک طناب به هم وصلند.
الف) برنامه‌ای بنویسید که عدد n و مهره‌های دو گردن‌بند را به ترتیب از ما بگیرد و سپس تشخیص دهد آیا این دو گردن‌بند یکی هستند یا نه؟
ب) دو گردن‌بند یکسان هستند اگر یکی از آن‌ها بتواند به کمک چرخیدن یا پشت و رو شدن به دیگری تبدیل شود!



★ مثال‌هایی از ورودی و خروجی برنامه:

? 4	? 4	? 5
? 1,2,3,4	? 1,2,3,4	? 1,2,3,4,5
? 1,3,2,4	? 1,4,3,2	? 4,5,1,2,3
Different	The same	The same

ب) به کمک قسمت الف برنامه‌ای بنویسید که عدد n را از ما بگیرد و کلیه گردن‌بندهای مختلفی که می‌توان با مهره‌های ۱ تا n تولید کرد را بنویسید. برای مثال:

- ? 4
Necklace 1 : 1234
Necklace 2 : 1243
Necklace 3 : 1324

ج) فرض کنید در گردن‌بند دو مهره مشابه از رنگ ۱ وجود داشته باشد. حال برنامه‌ای بنویسید که عدد n را از ما بگیرد و کلیه گردن‌بندهای ممکن را بنویسد. مثلاً:

- ? 3
Necklace 1 : 1231
Necklace 2 : 1213

سه‌دریک

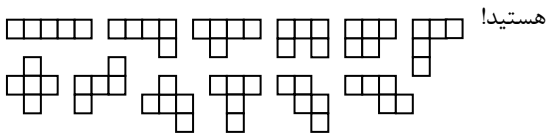
سید پوریا طباطبایی

برای اول‌ها:

در این قسمت شما را با یک بازی فکری عالی آشنا می‌کنیم.

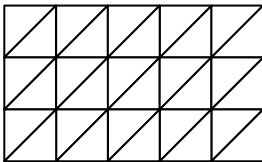
پنتامینو

شما باید با کنار هم چیدن این ۱۲ مهره به یک مستطیل ۶×۱۰ برسید. هر چه تعداد روش‌های مختلف چیدمان شما برای رسیدن به این مستطیل بیشتر باشد، شما باهوش‌تر



برای دوم‌ها:

این سوال تراوش مغز متفکر جناب آقای میبدی است! فرض کنید می‌خواهیم در نقشه زیر و تنها با حرکات یک خانه‌ای به شکل از گوشه پایین چپ به گوشه بالا راست برویم. چند راه مختلف برای این کار وجود دارد؟



برای سوم‌ها:

هر ضلعی از یک مربع به طور کامل در زاویه دید هر نقطه‌ای درون آن مربع است. آیا می‌توانید شکلی پیدا کنید که هیچ کدام از اضلاع آن در زاویه دید کامل یک نقطه از درون شکل نباشد؟

دست‌انگرمی برای مسابقات برنامه‌نویسی (تورنمنت)

← طرح از: سید پوریا (طباطبایی-حسینی)

افقی

))	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲)
					🌿					۱)
		🌿						🌿		۲)
	🌿	🌹	🌿				🌿	🌹	🌿	۳)
		🌿						🌿		۴)
				🌿	🌿	🌿				۵)
🌿			🌿				🌿			۶)
				🌿	🌿	🌿				۷)
		🌿						🌿		۸)
	🌿	🌹	🌿				🌿	🌹	🌿	۹)
		🌿						🌿		۱۰)
					🌿					۱۱)

- ۱) همون دیسکه- آلوش معروفه
- ۲) مرکز ایتالیا- یه قوم وحشی - واحد پول ژاپنه
- ۳) اهلیه
- ۴) به طلا می گن - حیوون شیطون بلا - همه دور هم
- ۵) حقیقتاً فرنگی - اندِ عدالته
- ۶) غذا، می ده - قلب خاورمیانه! - جرز می زنه (گلابی)
- ۷) رو تنته! - هم گل داره هم کشور
- ۸) وات بی الف - چند تا چاکر! - تو صف که ایسی می دنت
- ۹) مایه تیله فرنگی
- ۱۰) مونده وسط دوراهی - حال بین النهرین رو گرفت! - اگه شعور داشته باشی از فیلم می گیری (اولا از دوما بیرسن)!
- ۱۱) اشکل، مشکل! - «اقتدار»ی که از بس شنگول بوده غلط دیکته ای داره!

عمودی

- ۱) بری توش یخ می زنی! - جدول بدون اسم طراحاش نمی شه!
- ۲) ولو، میده! - بوت تکراری - ... دردم گرفت!
- ۳) نَر
- ۴) رفیق مَت - اگه «رفتی» ف و تِ تو وردار! - «چَت» حواس پرت کله پا شد! - بی جا نداره
- ۵) فلانی - باهاش رخت می شورن
- ۶) آدم آویزون می خوره - فحش کامپیوتری!
- ۷) همراه ما - بنویس «کزفس» (گلابی بم)!
- ۸) عربیش حماره - کله ی فرنگی - کلاغ "...!" - احتمالاً فرزانه گانی ها می زنن تو سرشون!
- ۹) بعضی ها (مثلاً «راه سبز»ی ها) نونشون می شه!
- ۱۰) اگه شاه عبدالعظیم بری حتماً اونجام رفتی - مورک - اگه داشته باشی جوش میاری
- ۱۱) مال حیوباتش میشه سیلو - سرزنش

برندگان جدول شماره قبل

✓ پایه ی اول: رضا افشاریان (۱/۳)

✓ پایه ی دوم: سید حامد مقیمی (۲/۴)

✓ پایه ی سوم:

۱- مجید احدی (۳/۱)

۲- شهاب مرادی (۳/۴)

جوایز این عزیزان بعد از نوروز داده خواهد شد.

☑ گاو longhorn به XP شاخ می‌زند.

شرکت مایکروسافت تا آخر بهار آینده، اولین نمونه‌ی آزمایشی از نگارش بعدی سیستم عامل ویندوز خود را عرضه می‌کند. با وجود این که مایکروسافت در گذشته، تاریخ عرضه‌ی نسخه آزمایشی ویندوز بعدی خود به نام Longhorn (شاخ دراز) را اواخر سال ۲۰۰۵ اعلام کرده بود، اما ظاهراً نسخه‌ی بتای این ویندوز تا آخر ماه ژوئن عرضه خواهد شد. زمان معرفی نسخه‌ی کامل این ویندوز نیمه‌ی دوم ۲۰۰۶ اعلام شده است. به نظر می‌رسد لانگ هورن در ظاهر و در کد اصلی سیستم عامل، تفاوت‌های زیادی با ایکس پس داشته باشد؛ اما احتمالاً باز هم مثل ایکس پی پر است از سوتی‌ها و باگ‌های جورواجور.

☑ Football هم دیجیتالی شد.

فیفا تصمیم گرفته در جام جهانی ۲۰۰۶ از توپ‌های دیجیتالی استفاده شود (بابا دیجیتالی). این توپ‌ها دارای یک میکروچیپ حساس است که هنگام رد شدن از خط با صدای خفیف به داور هشدار می‌دهد. این توپ را شرکت آدیداس تولید می‌کند. قرار است این توپ در مسابقات جام جهانی نوجوانان زیر هفده سال که در پرو برگزار می‌شود، استفاده شود.

☑ مکینتاش یتیم شد.

جفری فرانک راسکین، پدر کامپیوترهای مکینتاش در سن ۶۱ سالگی چشم از جهان فرو بست. به گزارش پایگاه اینترنتی مک ورلد، وی که پیشگام و جلودار پروژه ساخت کامپیوترهای مکینتاش بود، از سرطان لوزالمعده رنج می‌برد. در سال ۱۹۷۸ به شرکت APPLE پیوست و مدیریت اداره نشریات این شرکت را به عهده گرفت. وی در شرکت APPLE به طراحی نسل جدیدی از رایانه‌ها پرداخت که به جای خصوصیات فنی و تکنیکی، عوامل انسانی را در نظر داشت و به این ترتیب نسل کامپیوترهای مکینتاش را بنیان نهاد. اگر چه سیستم‌های مکینتاش امروزی بسیار متفاوتند از نمونه اولیه که به وسیله راسکین طراحی شد، شرکت اپل و کاربران سیستم‌های مکینتاش نقش برجسته وی را در خلق این نسل از رایانه‌ها از یاد نخواهند برد.

کاری مشترک از سردبیران قدیم و جدید رایانا مرتضی تقفیان و سیاوش آذرگشسب

لطفاً قبل از خواندن لطیفه‌ها، شعله بخاری را زیاد کنید. مجله رایانا در قبال بخردگی خوانندگان مسؤلیتی قبول نمی‌کند!

لطیفه

فاصله

مردی تازه به تهران آمده بود. از دوستش پرسید:
- بگو ببینم از تهران تا اصفهان چند فرسخ راه است؟
دوستش گفت:
- در حدود شصت فرسخ.
مرد گفت:
- خوب، از اصفهان تا تهران چند فرسخ راه است؟
دوستش گفت:
- این که معلوم است! فاصله تهران تا اصفهان به اندازه فاصله اصفهان تا تهران است.
مرد گفت:

- از کجا معلوم است؟ مگر از فروردین تا اردیبهشت یک ماه فاصله نیست پس چرا از اردیبهشت تا فروردین یازده ماه فاصله است؟

جایزه

آموزگار: دو چهار تا چند تا می‌شود؟
حمید: هشت تا.
آموزگار: آفرین! حالا هشت تا آب‌نبات به تو جایزه می‌دهم.
حمید: آقا ببخشید می‌شود شانزده تا!

حرف حساب

مرد: بچه جان! پدردت خانه نیست؟
بچه: چرا... هست.
مرد: پس چرا هر چه در می‌زنم، در را باز نمی‌کند؟
بچه: چون اینجا خانه ما نیست.

کتک کاری

دانش‌آموز: آقای ناظم، نیم ساعت است احمد دارد برادرم را کتک می‌زند.
ناظم: پس چرا زودتر نیامدی بگویی؟
دانش‌آموز: چون قبلاً برادرم داشت او را کتک می‌زد!

خیال راحت

روزی نرون امپراتور خونخوار روم احساس کرد که زمین زیر پایش می‌لرزد و به همین دلیل نگران شد. در همین موقع به او خبر دادند که زلزله روی داده و نصف شهر روم خراب شده است. نرون با خوشحالی گفت:
راست می‌گویند؟ خیالم راحت شد. فکر کردم مبدا سرگیجه گرفته باشم.



اکنون که رود سال ۸۳ بروم در پی علفی و حرفی و صحافی و دنبال Fifa بازی و طنز و Windows جدید سازی و هم پشت هم اندازی. ولی بنده همی در جدلم، گرچه که یک کم مچلم، هم کمی کله کچلم، اما ببین چون عسللم، شاعر بین‌المللم، وزن شعرم همه مفعول مفاعیل بود و گیر به شعرم شده افزون که چرا شعر چنان است و چنین؛ مگر کافر دین است و مگر شاعر چین است و گهی پشت به زین است. الغرض دوست! رایانا به تو گوید که بیا سال جدید سخن از مهر و عطوفت، سخن از دوستی و خوبی و شادی و محبت، سخن از عشق و صفا باشد و بس. جنگ خود را به کناری بنهیم و برهیم و دست خود را بدهیم! و بجهیم و همگی شاد به آغاز هشتاد و چهار برویم.



ماهنامه کامپیوتری

مرکز راهنمایی علامه حلی (۱)

صاحب امتیاز:

گروه کامپیوتر مرکز آموزشی

علامه حلی (۱) تهران

مدیر مسؤل: آقای نبی زاده

مشاور: آقای جهانگیر

سردبیر: سیاوش آذرگشسب

شورای سردبیری:

سید پارسا میردهقان

فواد صمدنژاد

سها سقزاده

سید پوریا طباطبایی

سید مهران خلدی

هیأت تحریریه: (به ترتیب الفبا)

✓ امین اقرلو

✓ آرش بدیع مدیری

✓ پدram پویانفر

✓ سینا حاجی زاده

✓ سید پوریا حسینی

✓ رضا روستا

✓ حسام سعد

✓ سید شایان شمس شعاعی

✓ سهند صمیمی

✓ مهدی عطایی پور

✓ علیرضا فرهمند نکو

✓ سپهر قاضی نظامی

✓ نیما مجتهدزاده

✓ کامیار محمدزاده

✓ سید حامد مقیمی

✓ علیرضا نعمتی

✓ مسعود نوروزی

صفحه آرایی: آقای نبی زاده

با تشکر از آقایان میبیدی،

شهشهانی، عباسی و عابدی

rayana_mag@yahoo.com



سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان

الآن ساعت ۲ نصفه شب سه شنبه ۲۵ اسفند است و من در سایت کامپیوتر مدرسه هستم. آقای جهانگیر هم کنارم نشسته‌اند و مشغول تنظیم فهرست رایانا هستند. آقای عابدی هم برای نوشتن مقاله‌شان تا پاسی از شب در مدرسه ماندند. از این دو معلم بزرگوار صمیمانه سپاسگزارم. یک هفته است که سخت داریم کار می‌کنیم تا ویژه‌نامه‌ی نوروزی، ویژه‌نامه‌ای باشد که به دل همه بنشیند. مجله را که تروق کرده‌اید، حتماً متوجه تغییرات اساسی این شماره نسبت به شماره‌های قبل شده‌اید. قطع، صفحه‌آرایی و محتوای مجله نسبت به شماره‌های قبل خیلی بهتر شده و این همه به خاطر دو معلم عزیز دیگری بود که ایرادهای مجله را با دو نامه‌ی جداگانه به من اطلاع دادند: آقایان شیوا و شهشهانی. از این دو دوست عزیز هم بسیار ممنونم. اگر انتقادات ایشان نبود، مسلماً این شماره به این خوبی نمی‌شد. اما بعد؛ موضوع ته مقاله این شماره از مدت‌ها قبل در ذهنم بود، اما الآن که می‌خواهم آن را تایپ کنم، آن قدر خسته‌ام که هرچه می‌نویسم به دلم نمی‌چسبد. از شما چه پنهان، دو بار مشغول نوشتن ته مقاله شدم، اما هر دو بار منصرف شدم. به نظر نمی‌رسد الآن بتوانم مطلبی بنویسم که ارزش چاپ کردن داشته باشد، پس بهتر است سخن کوتاه کنم و بیشتر از این کاغذ مجله را سیاه نکنم. به جای این که ته مقاله این شماره را هم مثل شماره‌های قبلی خودم بنویسم، می‌گذارم کس دیگری آن را بنویسد که مثل جمله‌هایش به جمله‌های ناقص من، حقیقتاً مثل اقیانوس به قطره است. اصلاً این شماره که همه چیزش تغییر کرد، بگذارید ته مقاله‌اش هم یک ته مقاله توپ باشد، ته مقاله‌ای که در تاریخ رایانا بی‌سابقه است. مناسبت موضوع ته مقاله هم باشد یازدهم فروردین ماه امسال.

مدیر مسؤل

ته مقاله



خون حسین و اصحابش کهکشانی است که بر آسمان دنیا قبله را می‌نمایند. بگذار اصحاب دنیا ندانند. کرم لجن‌زار چگونه بداند که بیرون از دنیایی که او تن می‌پرورد، چیست؟ زمین و آسمان او همان است، اگر او را از آن لجن‌زار بیرون کشند، می‌میرد.

امت محمد را آن روز جز حسین ملجأ و پناهی نبود. چه خود بدانند و چه ندانند، چه شکر نعمت بگزارند و چه ننگ‌زارند، واقعه‌ی عاشورا دروازه‌ای از نور است که آنان را از ظلم‌آباد یزیدیان به نورآباد عشق رهنمون می‌شود... اگر نبود خون حسین، خورشید سرد می‌شد و دیگر در آفاق جاودانه‌ی شب نشانی از نور باقی نمی‌ماند... حسین چشمه‌ی خورشید است.

یاران! این قافله، قافله‌ی عشق است و این راه که به سرزمین طف در کرانه‌ی فرات می‌رسد، راه تاریخ است و هر بامداد این بانگ از آسمان می‌رسد که: *الرحیل، الرحیل*. از رحمت خدا دور است که این باب شیدایی را بر مشتاقان لقای خویش ببندد. این دعوت، فیضانی است که علی‌الدوام، زمینیان را به سوی آسمان می‌کشد و ... بدان که سینه‌ی تو نیز آسمانی لایتناهی است با قلبی که در آن، چشمه‌ی خورشید می‌جوشد و گوش کن که چه خوش ترنمی دارد در تپیدن: حسین، حسین، حسین، حسین. نمی‌تپد، حسین حسین می‌کند.

یاران! شتاب کنید که زمین نه جای ماندن، که گذرگاه است... گذر از نفس به سوی رضوان حق. هیچ شنیده‌ای که کسی در گذرگاه، رحل اقامت بیفکند؟... و مرگ نیز در اینجا همان همه با تو نزدیک است که در کربلا، و کدام انیسی از مرگ شایسته‌تر؟ که اگر دهر بخواهد با کسی وفا کند و او را از مرگ معاف دارد، حسین که از من و تو شایسته‌تر است ... *الرحیل، الرحیل*! یاران شتاب کنید.

اما! مرا با تو سخنی است که اگر اذن می‌دهی بگویم: «من در صحرای کربلا نبوده‌ام و اکنون هزار و سیصد و چهل و چند سال از آن روز گذشته است. اما مگر نه این که آن صحرا بادیه‌ی هول ابتلائات است و هیچ کس را تا به بلای کربلا نیازمونداند از دنیا نخواهند برد؟ آنان را که این لیاقت نیست رها کرده‌ام، مرادم آن کسانی که *یا لیتنا کنا معکم* گفته‌اند. پس بگذار مرا که در جمع اصحاب تو بنشینم و سر در گریبان گریه فرو کنم».

الماس اگرچه از همه‌ی جوهرها شفاف‌تر است، سخت‌تر نیز هست. ماندن در صف اصحاب عاشورایی امام عشق تنها با یقین مطلق ممکن است... و ای دل! تو را نیز از این سنت لایتغیر خلقت گریزی نیست. پندار که تنها عاشوراییان را بدان بلا آزموده‌اند و لا غیر... صحرای بلا به وسعت همه‌ی تاریخ است.

از کتاب فتح خون، نوشته‌ی سید شهیدان اهل قلم، آوینی